

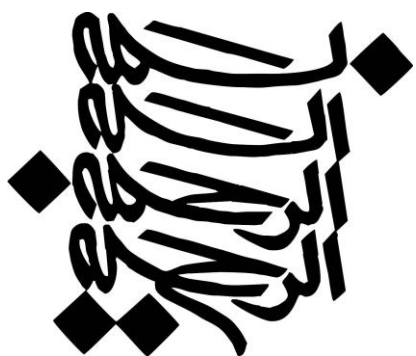


مسوده

قانون اساسی جمهوری فدرال افغانستان



مجمع فدرال خواهان افغانستان



مسوده

قانون اساسی جمهوری فدرال افغانستان

مجمع فدرال خواهان افغانستان

کمیته تدوین قانون اساسی

سرشناسه	مجمع فدرال خواهان افغانستان
عنوان	مسوده قانون اساسی جمهوری فدرال افغانستان
مشخصات نشر	چاپ اول، ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری	قطع رقعی، ۱۰۶ صفحه



مسوده قانون اساسی جمهوری فدرال افغانستان

مجمع فدرال خواهان افغانستان- کمیته تدوین قانون اساسی
ناشر: حزب عدالت و آزادی افغانستان، ثور ۱۴۰۴ برابر با آپریل
۲۰۲۵

صفحه آرا: توسلی غرجستانی
طراح جلد: گروه هنری آرمیتا

فهرست

۷.....	مقدمه حزب عدالت و آزادی افغانستان
۱۱.....	مقدمه
۱۳.....	فصل اول - اصول اساسی دولت
۳۳.....	فصل دوم - حقوق، آزادی‌ها و وجایب شهروندان
۵۲.....	فصل سوم - قوه مقننه فدرال
۵۲.....	۱ - مجلس نمایندگان فدرال
۵۲.....	۲ - مجلس سنای فدرال
۶۶.....	فصل چهارم - قوه مجریه فدرال
۶۶.....	الف - ریاست جمهوری فدرال
۷۲.....	ب - شورای وزیران فدرال (نخست وزیر و وزیران)
۷۹.....	فصل پنجم - قوه قضائیه فدرال
۹۰.....	فصل ششم - دادگاه عالی قانون اساسی
۹۳.....	فصل هفتم - تعدیل قانون اساسی
۹۵.....	فصل هشتم - دولت ایالتی
۹۸.....	فصل نهم - اداره محلی

فصل دهم - حالت اضطرار ۹۹

فصل یازدهم - احکام متفرقه ۱۰۱

فصل دوازدهم - احکام انتقالی ۱۰۳

مقدمه

طرح نظام فدرالی برای افغانستان یکی از برنامه‌های استراتژیک رهبر شهید استاد مزاری بود که با منطق رسا و دلایل محکم در نیمه نخست دهه هفتاد، ضرورت آن را مطرح کرد و در گام نخست مسودهٔ ابتدایی قانون اساسی فدرال نیز تحت نظر ایشان در کابل تهیه شد. به تأسی از اندیشه بلند شهید مزاری، زمانی که حزب عدالت و آزادی در سال ۱۴۰۱ تأسیس شد در «اصول اساسی» خود نظام فدرالی را به عنوان یکی از اهداف اساسی و مناسب‌ترین نظام سیاسی برای تأمین عدالت و حقوق مشروع تمام اقوام افغانستان اعلام کرد. در ماده ۴ اصول اساسی حزب عدالت و آزادی که به تاریخ ۱۴ میزان ۱۴۰۱ نشر شد آمده است:

«با توجه به این که ما در تاریخ قدیم و جدید افغانستان، ناکامی نظام‌های مختلفی را تجربه کرده‌ایم، اکنون برای رسیدن به ثبات دایمی، پایان دادن به جنگ‌ها و منازعات، حل عادلانه مناسبات ملی، تحکیم وحدت ملی و سرزمینی، تأمین رفاه و توسعه متوازن، توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات ملی و مشارکت معنادار همه اقوام در امور محلی و ملی، «نظام جمهوری اسلامی فدرالی» را مناسب‌ترین سیستمی می‌دانیم که می‌تواند حقوق

مشروع تمام مردم افغانستان را تأمین کند. این نظام امروزه در دنیا هم مؤثریت و کامیابی خود را نشان داده و در کشورهای بزرگ جهان مورد استفاده و تطبیق قرار گرفته و هم در کشورهای دچار منازعه و دارای تنوع و تعدد هویت‌های قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی، می‌تواند در عین «تعدد نهادهای تصمیم‌گیری» و «تقسیم قدرت» بین مرکز و ایالات و مناطق مختلف کشور، «وحدت ملی و میهنی» آنان را نیز به‌خوبی حفظ کند. خوش‌بختانه نظام فدرالی هم در قالب نظام ریاستی و نیمه ریاستی و هم در قالب نظام پارلمانی قابل تطبیق است و اکنون در میان حلقات و گروه‌های زیادی از هموطنان ما نیز مورد تأیید می‌باشد. پیشنهاد ما این است که زمان آن فرا رسیده است که در چارچوب یک «تفاهم وسیع ملی» زمینه عملی شدن این نظام را در کشور خود فراهم سازیم. حزب عدالت و آزادی افغانستان برای تشریح جزئیات این نظام، طرح خاص خود را دارد که در فرصت مناسب آن را ارائه خواهد کرد.»

در حالی که ما در حزب عدالت و آزادی گام‌های اولیه برای تدوین یک مسوده جدید قانون اساسی فدرال را آغاز کرده بودیم، در سال ۱۴۰۲ با همت جمعی از اندیشمندان دیگر «مجمع فدرال‌خواهان افغانستان» را تأسیس کردیم و خوش‌بختانه در منشور این مجمع نیز تأکید شد بر این‌که باید مسوده قانون اساسی فدرال از سوی این مجمع تدوین گردد. با توجه به این‌که این مجمع یک نهادی اختصاصی در باره اندیشه فدرالیسم و طرح نظام فدرالی برای افغانستان است و حزب عدالت و آزادی نیز عضو فعال و

از مؤسسان آن بوده است، ترجیح دادیم که کار تدوین قانون اساسی فدرال از یک آدرس و از یک منبع تعقیب شود.

خوشبختانه از اولین برنامه‌های مجمع فدرال خواهان تأسیس کمیته تدوین قانون اساسی بود که این جانب از سوی هیأت رهبری به عنوان رئیس این کمیته انتخاب شدم و با همکاری اعضای فرهیخته و اندیشمند کمیته، اولین مسوده قانون اساسی جمهوری فدرال افغانستان در طی ده ماه کار فشرده تدوین شد و به تأیید هیأت رهبری مجمع رسید و به تاریخ ۳۱ حمل ۱۴۰۴ به منظور نظرخواهی عمومی از طرف مجمع فدرال خواهان به نشر سپرده شد.

اکنون ما وظیفه خود می‌دانیم که این مسوده را از طریق حزب عدالت و آزادی نیز به نشر بسپاریم تا زمینه دسترسی بیشتر به متن قانون اساسی فدرال را فراهم کنیم. من از همه مردم افغانستان و مخصوصاً از اندیشمندان و صاحب نظران حقوقی و سیاسی و از همه فعالین و اعضای حزب انتظار دارم که این پیش‌نویس را با دقت مطالعه و ارزیابی نمایند و در صورتی که پیشنهادات و نظریات اصلاحی داشته باشند برای ما ارسال نمایند تا در نسخه‌های بعدی از آن‌ها استفاده شود.

سرور دانش

رئیس حزب عدالت و آزادی افغانستان

۲ ثور ۱۴۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

قانون اساسی جمهوری فدرال افغانستان

مقدمه

ما مردم افغانستان؛

- با درک بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های گذشته و مصایب بی‌شماری که بر کشور ما وارد آمده است؛
- با تقدیر از فداکاری‌ها، مبارزات تاریخی و ارج‌گذاری به مقام والای شهیدای راه عدالت و آزادی؛
- با درک این که افغانستان از نگاه قومی، زبانی و مذهبی، جامعه متکثر و متنوع است؛
- به منظور پایان دادن به خشونت‌ها و منازعات، جلوگیری از گسست‌های متداوم و تأمین صلح، عدالت و ثبات دایمی در کشور؛
- به منظور تقویت همبستگی میهنی و تحقق مناسبات عادلانه در میان تمام اقوام و مناطق کشور؛
- به منظور توزیع عادلانه ثروت و قدرت در سطوح افقی و عمودی

- به منظور رعایت اصل تفکیک قوا و تأسیس نظام فدرالی مردم‌سالار، کثرت‌گرا و مبتنی بر اراده مردم؛
 - به منظور ایجاد جامعه‌ای عاری از استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم؛
 - و بالاخره به منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین‌المللی؛
- این قانون اساسی را بر اساس مقتضیات زمان و مطابق با واقعیت‌های متکثر و متنوع قومی، فرهنگی و اجتماعی کشور، از طریق نمایندگان منتخب خود در مجلس مؤسسان قانون اساسی مؤرخ / / منعقد در شهر کابل تصویب کردیم.

فصل اول - اصول اساسی دولت

ماده اول

افغانستان، کشور اسلامی مستقل، متحد و دارای حاکمیت است و نظام سیاسی آن جمهوری پارلمانی فدرال و مبتنی بر اراده مردم می باشد.

ماده دوم

- (۱) دین اکثریت مردم افغانستان، دین مبین اسلام است.
- (۲) پیروان سایر ادیان با رعایت احکام قانون، در پیروی از دین، اجرای مراسم و شعایر دینی شان آزاد می باشند.
- (۳) دولت، بدون داشتن حق دخالت در امور دینی مردم، مکلف است آزادی شعایر دینی و عبادت و محافظت از اماکن آن را تضمین کند.

ماده سوم

- (۱) وضع قانونی که با اصول و مبانی دین مقدس اسلام تعارض داشته باشد، مجاز نیست.
- (۲) وضع قانونی که با اصول دموکراسی و اعمال حاکمیت مردم تعارض داشته باشد، مجاز نیست.

- (۳) وضع قانونی که با حقوق و آزادی‌های اساسی مندرج در این قانون اساسی تعارض داشته باشد، مجاز نیست.
- (۴) مرجع تشخیص احکام این ماده دادگاه عالی قانون اساسی است.

ماده چهارم

- (۱) این قانون اساسی فدرال، عالی‌ترین قانون افغانستان است و همه احکام آن بدون استثنا الزام‌آور است.
- (۲) وضع قانونی که با قانون اساسی فدرال در تعارض باشد مجاز نیست.
- (۳) هر ایالت دارای قانون اساسی و قوانین عادی خاص خود می‌باشد؛
- (۴) قانون اساسی و قوانین عادی هیچ ایالتی، مخالف با قانون اساسی فدرال وضع شده نمی‌تواند.
- (۵) قانون اساسی و قوانین عادی هیچ ایالتی مخالف با قوانین فدرال وضع شده نمی‌تواند مگر این که در این قانون اساسی طور دیگری تصریح شده باشد.

ماده پنجم

- (۱) در افغانستان حاکمیت به مردم تعلق دارد که آن را در دو سطح ملی و ایالتی از طریق انتخابات آزاد و به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود و به وسیله نهادهای قانون اساسی، اعمال می‌کنند.

- (۲) قدرت سیاسی دولتی در افغانستان به صورت مسالمت‌آمیز و تنها از راه‌هایی که در قانون اساسی به آن‌ها تصریح شده است، منتقل می‌شود.
- (۳) لغو یا تعلیق قانون اساسی از راه‌های غیر قانونی، جرم شناخته می‌شود و مرتکب آن مطابق با احکام قانون مجازات می‌گردد.

ماده ششم

- (۱) افغانستان دارای تنوع فرهنگی و مذهبی و اقوام و زبان‌های متعدد می‌باشد.
- (۲) شهروند افغانستان، هر فردی است که مطابق با احکام قانون، شهروندی افغانستان را داشته باشد. بر هر فرد از شهروندان افغانستان، "افغانستانی" اطلاق می‌شود.
- (۳) هر نوع فعالیت فردی و سازمانی که منجر به تبعیض قومی، دینی، مذهبی، زبانی، نژادپرستی، تکفیر یا پاکسازی قومی، دینی، مذهبی و زبانی شود، یا از آن ستایش کند و یا زمینه را برای آن فراهم نماید و یا دیگران را به آن تحریک کند، تحت هر نامی که باشد ممنوع است. جزئیات این حکم در قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هفتم

- (۱) هر فردی که پدر یا مادر افغانستانی داشته باشد و یا مطابق با قانون، تابعیت افغانستان را کسب کرده باشد، افغانستانی محسوب می‌شود.

(۲) تابعیت افغانستان حق هر افغانستانی است و اساس شهروندی وی به شمار می‌رود.

(۳) هر افغانستانی حق دارد چند تابعیت داشته باشد.

(۴) شخصی که پست عالی سیاسی را احراز می‌کند یا در مناصب بخش امنیتی و دفاعی، وظیفه اجرا می‌کند، هر گونه تابعیت دیگری را که به دست آورده است، ترک می‌کند. جزئیات این حکم در قانون تنظیم می‌گردد.

(۵) سلب تابعیت افغانستان از شهروند این کشور به هر دلیلی که باشد، ممنوع است.

(۶) تابعیت افغانستان از کسانی که تابعیت این کشور را اکتساب کرده‌اند، در مواردی که قانون به آن تصریح می‌کند، قابل سلب است.

(۷) اعطای تابعیت افغانستان با هدف سیاسی اسکانی که به ترکیب جمعیتی افغانستان لطمه وارد می‌کند، ممنوع است.

(۸) سایر احکام مربوط به تابعیت در قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هشتم

(۱) همه زبان‌های رایج در افغانستان، زبان‌های ملی مردم و جزء سرمایه‌های فرهنگی و معنوی این کشور هستند.

(۲) زبان‌های فارسی، پشتو و اوزبیک، زبان‌های رسمی افغانستان هستند.

(۳) مردم افغانستان حق دارند زبان‌های مادری مانند ترکمنی، بلوچی، پشه‌ای، نورستانی، گروه زبان‌های پامیری و سایر زبان‌های رایج در کشور را در مؤسسه‌های آموزشی دولتی یا خصوصی به فرزندان خود آموزش دهند و همچنین در مناطقی که اکثریت با یکی از آن زبان‌ها تکلم می‌کنند، آن را نیز علاوه بر زبان‌های رسمی کشور، به عنوان زبان رسمی منطقه انتخاب کنند.

(۴) حدود اصطلاح زبان رسمی و چگونگی اجرای احکام فقره دوم این ماده، با رعایت موارد زیر، در قانون خاص زبان تعیین می‌شود:

۱- جریده رسمی به این سه زبان انتشار می‌یابد.

۲- در ادارات دولتی مثل پارلمان، حکومت، دادگاه‌ها و کنفرانس‌های رسمی، از این سه زبان استفاده می‌شود.

۳- اسناد و نامه‌های رسمی به هر یک از این سه زبان به رسمیت شناخته می‌شوند.

۴- بر اساس نیاز در برخی از مناطق، طبق معیارهای آموزشی، مکاتب چند زبانه ایجاد می‌شوند.

۵- در هر موضوع دیگری مثل پول، شناسنامه، گذرنامه و تمبر که رعایت اصل برابری ایجاب می‌کند، نیز از این سه زبان استفاده می‌شود.

(۵) دولت برای تقویت و انکشاف همه زبان‌های افغانستان برنامه‌های مؤثر طرح و تطبیق می‌نماید.

ماده نهم

پایتخت دولت فدرال افغانستان، شهر کابل می باشد.

ماده دهم

(۱) مبدأ تقویم کشور بر هجرت پیغمبر اکرم (ص) استوار است.

(۲) مبنای کار ادارات دولتی تقویم هجری شمسی می باشد.

(۳) رخصتی ها و مناسبت های ملی و دینی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یازدهم

بیرق ملی، نشان ملی و طرز استفاده از آن ها در قانون فدرال تنظیم می گردد.

ماده دوازدهم

سرود ملی افغانستان بازتاب دهنده همه عناصر متنوع هویتی و فرهنگی اقوام افغانستان می باشد. جزئیات آن در قانون فدرال تنظیم می گردد.

ماده سیزدهم

(۱) افغانستان بر اساس موقعیت های جغرافیایی، ترکیب قومی، مذهبی و فرهنگی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی مناطق، به ایالات عضو فدرال تقسیم می گردد. این تقسیمات به گونه ای تنظیم می شود که همبستگی اقوام و پیروان مذاهب افغانستان حفظ شود و باعث افتراق بین آنان نگردد.

(۲) در مورد تعداد ایالت‌ها، انتخاب نام و مرکز هر ایالت، تعیین دقیق مرزهای ایالات، تقسیمات اداری و سایر جزئیات آن، مجلس مؤسسان مندرج مواد دوصدویکم و دوصدودوم این قانون اساسی تصمیم می‌گیرد.

ماده چهاردهم

بعد از ایجاد دولت فدرال و ختم اولین دوره تقنینیه، الحاق ایالات به همدیگر، تجدید سازمان و ایجاد تغییر در حدود جغرافیایی ایالات و ایجاد ایالات جدید بر اساس اراده مردمان ایالات و بر مبنای روابط منطقی، تاریخی، فرهنگی، مقتضیات اقتصادی و سازگاری اخلاقی و اجتماعی، با تصویب شورای ملی فدرال و مطابق با احکام این قانون اساسی و قانون خاص ایالات فدرال، مجاز است.

ماده پانزدهم

(۱) حفاظت از تمامیت ارضی و استقلال کشور، جلوگیری از خشونت‌ها، منازعات و گسست‌های متداوم، حفظ نظم، آرامش و ثبات داخلی، تأمین عدالت، حمایت از آزادی و حقوق ایالات عضو فدرال و افزایش تعاون بین ایالات و موفقیت‌های مشترک آن‌ها، از وظایف اساسی دولت فدرال است.

(۲) ایالت‌ها، صلاحیت‌ها و اختیاراتی را که بر اساس این قانون اساسی به دولت فدرال واگذار نشده، با اختیار کامل اعمال می‌نمایند و دولت فدرال حقوق آن‌ها را در محدوده این قانون اساسی و قوانین اساسی خود آن‌ها و حقوق اساسی و آزادی‌های شهروندان آن‌ها تضمین می‌کند.

(۳) دولت فدرال رعایت حقوق اقلیت‌های ساکن در هر ایالت، به شمول حقوق دینی، مذهبی و فرهنگی و تشکیل شوراهای خاص متعلق به اقلیت‌ها و حضور متناسب آنان در ادارات ایالتی و کشوری را تضمین می‌کند.

ماده شانزدهم

ایالت‌ها می‌توانند خواستار تضمین قانون اساسی خود از سوی دولت فدرال شوند مشروط بر این که:

۱- قانون اساسی ایالت‌ها هیچ‌گونه مغایرتی با مفاد قانون اساسی فدرال نداشته باشد؛

۲- قانون اساسی ایالت‌ها، اعمال حقوق شهروندی را براساس نظام جمهوری فدرال تضمین نمایند؛

۳- مردم، قانون اساسی ایالت محل اقامت خود را پذیرفته باشند و در صورت درخواست اکثریت مطلق شهروندان، قانون اساسی مزبور قابل تعدیل باشد.

ماده هفدهم

(۱) تشکیل هر نوع اتحادیه جداگانه بین ایالت‌ها که در مغایرت با اصول و قوانین نظام فدرالی باشد، ممنوع است.

(۲) ایالت‌ها حق دارند در میان خود قرارداد همکاری منعقد کنند، اما هرگاه این قراردادها شامل موارد مخالف با نظام فدرال یا مغایر با حقوق سایر

ایالت‌ها باشند، مقامات فدرال حق دارند از اجرای آن‌ها ممانعت به عمل آورند. در غیر این صورت، ایالت‌ها حق دارند خواستار همکاری مقامات مسئول فدرال جهت اجرای این قراردادها شوند.

ماده هجدهم

اختیارات دولت مرکزی فدرال شامل موارد ذیل است:

۱- حفظ وحدت و یکپارچگی کشور، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، تأمین امنیت و قابلیت دفاعی و حفظ نظام مردم‌سالار فدرال افغانستان؛

۲- تضمین شرایط برای این‌که کلیه شهروندان در پیشگاه قانون، دارای حقوق و وظایف برابر باشند؛

۳- تنظیم امور تابعیت، گذرنامه، مهاجرت، خارجیان و حق پناهندگی؛

۴- ترسیم سیاست خارجی، نمایندگی دیپلماتیک، مذاکره در باره معاهدات و توافقنامه‌های بین‌المللی و سیاست دریافت وام و امضای آن‌ها؛

۵- ترسیم و اجرای سیاست امنیت ملی، تشکیل و اداره نیروهای مسلح و پولیس و تأمین امنیت مرزهای افغانستان؛

۶- تأسیس و مدیریت محاکم قضایی فدرال؛

۷- تصویب و اجرای قوانین جزایی با در نظر گرفتن وظایف ایالات؛

- ۸- تصویب و اجرای قوانین مدنی، (به استثنای احوال شخصیه) و قوانین کار و اداره مشروط به اخلاص نکرده اختیارات خاص ایالات؛
- ۹- تصویب قوانین تجارتی و گمرکی، تنظیم تجارت خارجی و امور گمرکی و تعیین مالیات عمومی؛
- ۱۰- تصویب قوانین عمومی رسانه‌ها، رادیو و تلویزیون و کلیه وسایل ارتباط جمعی با احترام به اختیارات ایالات؛
- ۱۱- تصویب قوانین مربوط به آب و انرژی و تقسیم درآمدهای حاصل از آن‌ها، در صورتی که آب‌ها و انرژی از محدوده یک ایالت خارج باشند؛
- ۱۲- تنظیم قوانین عمومی مربوط به محیط زیست و احکام اساسی مربوط به کوهستان‌ها، مراتع و جنگلات بدون دخالت در اختیارات ایالات؛
- ۱۳- تنظیم قوانین مربوط به واحد اندازه‌گیری‌ها و ساعت رسمی کشور و سازماندهی سیاست امواج و فرکانس‌ها و خدمات پستی؛
- ۱۴- ترسیم سیاست مالی و پولی، انتشار اسکناس و تشکیل بانک مرکزی و اداره بانک‌ها؛
- ۱۵- برنامه‌ریزی‌های کلی اقتصادی؛
- ۱۶- تنظیم دارایی عمومی و ترسیم طرح بودجه عمومی و سرمایه‌گذاری؛
- ۱۷- هماهنگی و توسعه تحقیقات علمی و فنی؛

۱۸- هماهنگی امور بهداشتی، امنیت غذایی و مقررات مربوط به تولیدات دارویی؛

۱۹- احکام عمومی بیمه‌های اجتماعی بدون دخالت در خدمات اجتماعی ایالات؛

۲۰- تدوین چارچوب حقوقی دستگاه‌های دولتی و مقررات اجرایی آن بدون دخالت در سازمان‌های اداری مخصوص ایالات؛

۲۱- تنظیم امور بنادر و فرودگاه‌های عمومی، کنترل حمل و نقل هوایی، خدمات هواشناسی و شماره‌گذاری هواپیماها؛

۲۲- مدیریت راه و راه آهن، در صورتی که توسعه آن بیش از یک ایالت را در بر گیرد، حمل و نقل، ترافیک و تردد خودروها، مخابرات، (پیام رسانی) ارتباطات هوایی و رادیویی؛

۲۳- ایجاد و مدیریت بناهای دولتی‌ای که چند ایالت در آن ذی‌نفع باشند؛

۲۴- ترسیم سیاست کلی استفاده از معادن و سایر منابع زیر زمینی، آثار باستانی و آبادات تاریخی که ملکیت تمام مردم افغانستان در همه ایالات است؛

۲۵- تعیین چارچوب تولید، تجارت، مالکیت و استفاده از سلاح‌ها و مواد منفجره؛

۲۶- دفاع از دارایی‌های فرهنگی و هنری افغانستان و حفاظت از موزیم‌ها، کتابخانه‌ها و آرشیف‌های ملی با احترام به اختیارات ایالات؛

- ۲۷- تأمین مصونیت اجتماعی و حفظ امنیت عمومی، بدون دخالت در اختیارات پولیس ایالتی و محلی؛
- ۲۸- تنظیم شرایط اخذ، صدور و ارزشیابی مدارک علمی و حرفه‌ای؛
- ۲۹- آمارگیری برای مقاصد دولتی و سرشماری عمومی جمعیت کشور؛
- ۳۰- برگزاری انتخابات سراسری و همه‌پرسی.

ماده نوزدهم

اختیارات ایالات مشتمل بر موارد ذیل است:

- ۱- ایجاد و سازماندهی مؤسسات و نهادهای مربوط به خود به شمول قوای مقننه، مجریه و قضائیه ایالتی و قوانین مربوط به آن‌ها؛
- ۲- قانونگذاری در امور حقوقی، مدنی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مالی و سایر حوزه‌هایی که مختص به ایالت بوده و صدمه‌ای به حقوق و آزادی‌های سایر ایالات نمی‌رساند؛
- ۳- انجام تغییرات در تقسیمات اداری ولایات و ولسوالی‌های مربوط به خود؛
- ۴- تنظیم امور مسکن و شهرسازی؛
- ۵- ایجاد و مدیریت بناهای عمومی در داخل مناطق خود؛
- ۶- توسعه راه و راه آهن و سایر وسایل و تأسیسات حمل و نقل هوایی و زمینی، در صورتی که توسعه آن تنها در داخل آن ایالت انجام گیرد؛
- ۷- ایجاد بنادر و فرودگاه‌ها در ایالت؛

- ۸- توسعه کشاورزی و دامداری در چارچوب مقررات کلی اقتصاد کشور؛
- ۹- بهره برداری از منابع طبیعی مانند کوهستان‌ها، مراتع و جنگلات ایالت؛
- ۱۰- مدیریت حفاظت از محیط زیست در سطح ایالت؛
- ۱۱- انجام پروژه‌های ساخت و بهره برداری از آب‌های داخلی ایالت و توسعه استفاده از انواع مختلف انرژی؛
- ۱۲- نظارت بر ماهی‌گیری در آب‌ها و رودهای داخلی ایالت؛
- ۱۳- برپایی نمایشگاه‌های مربوط به خود؛
- ۱۴- حمایت از توسعه اقتصادی جوامع خود با توجه به چارچوب سیاست‌های اقتصادی کشور؛
- ۱۵- توسعه صنایع دستی؛
- ۱۶- ایجاد و مدیریت موزیم‌ها، کتابخانه‌ها و تالارهای فرهنگی مخصوص به خود؛
- ۱۷- مالکیت و مدیریت اموال هنری مخصوص به خود؛
- ۱۸- رشد و توسعه فرهنگی، تحقیقاتی و آموزش زبان‌های محلی مخصوص به جامعه خود؛
- ۱۹- برنامه ریزی برای رشد صنعت توریسم در ایالت؛
- ۲۰- برنامه‌ریزی‌های ورزشی برای رشد و استفاده مناسب از اوقات فراغت؛

۲۱- فراهم کردن خدمات درمانی و بهداشتی و تأمین مصونیت اجتماعی در سطح ایالت؛

۲۲- نگرهبانی و حفاظت از ابنیه و تاسیسات ایالت؛

۲۳- مدیریت پولیس ایالتی و محلی که اختیارات و وظایف آن در قانون تنظیم می‌گردد؛

۲۴- برگزاری انتخابات و همه‌پرسی در سطح ایالت.

ماده بیستم

اختیارات مشترک دولت فدرال و دولت ایالتی به شرح ذیل است :

۱- اداره و نظارت بر گمرکات مطابق به احکام قانون؛

۲- سازماندهی منابع اصلی برق و توزیع آن؛

۳- ترسیم سیاست زیست محیطی برای تضمین حفاظت از محیط زیست در برابر آلودگی و حفظ آن؛

۴- تنظیم سیاست‌های توسعه و برنامه‌های عمومی؛

۵- تنظیم سیاست درمانی و بهداشتی؛

۶- تنظیم سیاست کلی آموزش و پرورش و تحصیلات عالی؛

۷- ترسیم سیاست استفاده از منابع اصلی آب با هدف تضمین توزیع عادلانه آن که بر اساس قانون صورت می‌گیرد.

ماده بیست و یکم

هر آنچه که در وظایف و اختیارات انحصاری دولت فدرال یا اختیارات مشترک تصریح نشده است، در حیطه اختیارات ایالات است.

ماده بیست و دوم

(۱) شورای ایالتی نمی‌تواند خلاف قوانین فدرال، قانونی وضع نماید؛ همانگونه که شورای ملی نمی‌تواند در محدوده صلاحیت شورای ایالتی وضع قانون نماید.

(۲) در حوزه صلاحیت‌های مشترک، «شورای مشترک هماهنگی قانون‌گذاری» تصمیم می‌گیرد.

(۳) تشکیل و طرز فعالیت شورای مشترک هماهنگی قانون‌گذاری در طرز العمل خاص توسط شورای ملی به تصویب می‌رسد.

ماده بیست و سوم

(۱) بدون توجه به آنچه در قانون اساسی آمده، حکومت فدرال می‌تواند با رضایت حکومت ایالتی، وظایفی را در زمینه اموری که در حیطه اختیارات اجرایی حکومت مرکزی فدرال است، بطور مشروط یا غیر مشروط به حکومت ایالتی یا مقامات آن محول نماید.

(۲) قانون شورای ملی بدون توجه به مرتبط بودن یا نبودن آن با موضوعی که شورای ایالتی در مورد آن دارای قدرت وضع قانون نیست، می‌تواند

اختیاراتی را به حکومت ایالتی یا متصدیان امور تفویض و وظایفی را به آن‌ها واگذار نماید.

(۳) بدون توجه به آن‌چه در قانون اساسی آمده، حکومت ایالتی می‌تواند با رضایت حکومت فدرال، وظایفی را در زمینه هر موضوعی که در حیطه اختیارات اجرایی ایالت قرار دارد، بطور مشروط یا غیر مشروط به حکومت فدرال یا مسئولین آن واگذار نماید.

ماده بیست و چهارم

هرگاه بر اثر انعقاد قرارداد و معاهده دولت فدرال با دولت‌های خارجی، اوضاع و شرایط ایالت و یا ایالاتی متأثر گردد، باید دولت مرکزی قبل از آن با آن ایالت یا ایالات، مذاکره و تفاهم نماید.

ماده بیست و پنجم

مأمورین عالی‌رتبه که در مقامات عالی‌ه دولت فدرال و همچنین سفرا و دیپلمات‌هایی که در کشورها و نهادهای بین‌المللی تعیین می‌گردند، از تمام ایالات بر اساس اهلیت و متناسب با تعداد نفوس‌شان انتخاب می‌شوند.

ماده بیست و ششم

(۱) همه ایالات و اقوام ساکن در کشور به تناسب جمعیت‌شان در تشکیل ارتش، پولیس ملی و اداره امنیت ملی مطابق قانون سهم می‌گیرند.

(۲) شرایط اجرای دوره مکلفیت سربازی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

(۳) پولیس هر ایالت از میان ساکنان همان ایالت تشکیل می‌گردد.

(۴) استعمال، انتقال و استفاده از اسلحه و تجهیزات نظامی که برای دفاع از استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و مقابله با تهدیدات خارجی تدارک دیده شده است، بدون اجازه دولت فدرال و حکم قانون ممنوع است.

ماده بیست و هفتم

(۱) تمام مقامات دولت مرکزی فدرال و مقامات ایالتی با رعایت احکام این قانون اساسی، به یکدیگر کمک‌های متقابل قانونی و اداری را انجام می‌دهند.

(۲) در حالات وقوع فاجعه ملی و سانحه بزرگ در یک یا چند ایالت و یا برای جلوگیری از آن، هر ایالت می‌تواند با رعایت قوانین مربوطه از پولیس سایر ایالات، قوای سرحدی، قوای مسلح، تجهیزات و امکانات نهادهای دولتی استمداد نماید.

ماده بیست و هشتم

هرگاه ایالتی از سوی یک کشور خارجی در معرض تهدید و خطر قرار گیرد، دولت آن ایالت، موظف است فوراً مقامات ذی‌صلاح فدرال را از این امر آگاه سازد و از دولت فدرال و سایر اعضای فدرال استمداد کند. ایالت‌های مورد استمداد موظفند کمک‌های لازم را ارائه نمایند. هزینه‌های مربوط به کمک‌رسانی به عهده دولت فدرال است و جزئیات آن در قانون فدرال تنظیم می‌گردد.

ماده بیست و نهم

(۱) در مورد ناآرامی داخلی یا بروز خطر از سوی یکی از ایالت‌ها، دولت ایالت مورد تهدید باید بلافاصله ریاست جمهوری را از این امر آگاه نماید. رئیس جمهور در محدوده اختیارات خود، اقدامات لازم را به عمل می‌آورد یا شورای ملی فدرال را برای تشکیل جلسه دعوت می‌نماید.

(۲) هرگاه دولت ایالت در موقعیتی نباشد که بتواند درخواست کمک نماید، مقامات مسئول فدرال می‌توانند بدون دریافت درخواست کمک دولت ایالت مورد نظر، مداخله نمایند. مقامات مسئول فدرال، در صورت در خطر بودن امنیت کشور، موظف به مداخله هستند.

ماده سی‌ام

در صورت بروز اختلاف میان ایالت‌ها، آنان از هرگونه اقدام و توسل به نیروی نظامی اجتناب می‌ورزند و از تصامیم و دستورات دولت فدرال در خصوص اختلاف فوق پیروی می‌کنند و حل و فصل حقوقی در منازعات بین ایالات، بر عهده دادگاه عالی قانون اساسی است.

ماده سی و یکم

(۱) دولت افغانستان به منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی‌ای که افغانستان به آن‌ها ملحق شده، متعهد و پایبند است.

(۲) دولت از هر نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می‌کند.

ماده سی و دوم

دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی بر اساس مرزهای شناخته شده بین المللی، عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می‌نماید.

ماده سی و سوم

(۱) نظام اقتصادی افغانستان، سیستم اقتصاد مختلط است.

(۲) دولت نظام اقتصادی افغانستان را بر مبنای عدالت اجتماعی، تأمین اجتماعی، توسعه متوازن و پایدار و اصول اقتصادی، تنظیم می‌کند.

(۳) دولت بهره برداری بهینه از همه منابع، گسترش منابع، تشویق، حمایت و توسعه بخش خصوصی و سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف و آزادی نقل و انتقال نیروی کار، کالاها و سرمایه بین ایالات و ولایات را مطابق به احکام قانون تضمین می‌کند.

ماده سی و چهارم

(۱) بانک مرکزی افغانستان، بانک دولت بوده و در اجراءات خود مستقل می‌باشد.

- (۲) نشر پول و طرح و تطبیق سیاست پولی کشور، مطابق به احکام قانون، از صلاحیت بانک مرکزی می‌باشد.
- (۳) واحد پول افغانستان روپیه است و سایر اجزا و جزئیات آن در قانون فدرال مشخص می‌گردد.
- (۴) پول افغانستان با استفاده از زبان‌های رایج کشور و نمادهای متعلق به اقوام و ایالات طراحی و نشر می‌شود.
- (۵) رئیس بانک مرکزی با پیشنهاد نخست وزیر و تأیید شورای ملی فدرال تعیین می‌شود و در مقابل شورای ملی فدرال پاسخگو است.
- (۶) تشکیل و طرز فعالیت بانک مرکزی و بانک‌های دولتی و خصوصی دیگر، توسط قانون تنظیم می‌شود.

فصل دوم - حقوق و وجایب شهروندان

ماده سی و پنجم

(۱) شهروندان افغانستان، دارای حقوق و وجایب مساوی شهروندی می باشند.

(۲) هر نوع تبعیض و امتیاز بین شهروندان افغانستان به شمول جنسیت، نژاد، قومیت، قبیله، رنگ، زبان، دین، مذهب، عقیده سیاسی، اندیشه، تحصیل، شغل، دارایی، موقف دولتی، محل سکونت و زادگاه یا وضعیت اقتصادی و اجتماعی، ممنوع است.

(۳) حکم مندرج در فقره های (۱ و ۲) این ماده مانع از آن نمی شود که دولت تمهیدات ویژه ای را برای حمایت از زنان، کودکان و سایر اقشار و گروه های آسیب پذیر مطابق با احکام قانون اعمال نماید.

ماده سی و ششم

زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخصی بدون حکم قانون از این حق محروم نمی گردد.

ماده سی و هفتم

(۱) آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و حکم قانون یا مقام قضایی، هیچ نوع محدودیتی ندارد.

(۲) آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی، کرامت انسان و تأمین امنیت او مکلف می‌باشد.

ماده سی و هشتم

حق برابری فرصت‌ها برای همه شهروندان تضمین شده است و دولت موظف است اقدامات لازم را برای تحقق این حق به عمل آورد.

ماده سی و نهم

برائت ذمه حالت اصلی است.

متهم تا وقتی که به حکم قطعی دادگاه با صلاحیت محکوم قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود.

ماده چهلیم

جرم یک عمل شخصی است.

تعقیب، بازداشت یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی‌کند.

ماده چهل و یکم

(۱) هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

(۲) هیچ شخصی را نمی توان تعقیب، بازداشت و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون و حکم قضایی.

(۳) هیچ شخصی را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم دادگاه با صلاحیت و مطابق با احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

(۴) اعمال مجازاتی شدیدتر از مجازاتی که هنگام ارتکاب جرم نافذ بوده است جواز ندارد.

(۵) تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

(۶) هیچ شخصی پس از آزادی به خاطر همان اتهام بار دیگر محاکمه نمی شود، مگر این که دلایل جدیدی کشف شود.

ماده چهل و دوم

(۱) دستگاه قضایی مستقل است و جز قانون هیچ کسی بر آن حاکمیت ندارد.

(۲) دادخواهی و برخورداری از اصول محاکمات عادلانه حق همه افراد است.

(۳) حبس یا توقیف افراد، در غیر از اماکنی که در قانون زندان‌ها برای آن اختصاص یافته و مشمول مراقبت‌های بهداشتی و اجتماعی می‌شود و تحت نظر نهادهای مربوطه رسمی کشور قرار دارد، ممنوع است.

ماده چهل و سوم

(۱) شکنجه انسان ممنوع است.

(۲) هیچ شخصی نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگری، اگرچه تحت تعقیب، بازداشت یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به شکنجه او اقدام کند یا امر بدهد.

(۳) شخصی که بر اثر چنین رفتارهایی متضرر شده است، می‌تواند غرامت و خسارت مادی یا معنوی را که به وی وارد شده است، مطابق با احکام قانون مطالبه کند.

ماده چهل و چهارم

(۱) اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد.

(۲) اقرار به جرم عبارت است از: اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت سلامتی عقل، در حضور دادگاه باصلاحیت.

ماده چهل و پنجم

(۱) حق دفاع، در همه مراحل توقیف، تحقیق و محاکمه محفوظ است.

(۲) هر شخصی می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد بازداشت و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند.

(۳) متهم حق دارد به مجرد بازداشت، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادى که قانون تعیین می‌کند در دادگاه حاضر گردد.

(۴) دولت در قضایای جنایی برای متهم بی‌بضاعت وکیل مدافع تعیین می‌نماید.

(۵) محرمانه مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل او، از هر نوع تعرض مصون می‌باشد.

(۶) وظایف و صلاحیت‌های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده چهل و هشتم

(۱) قوانین عطف به ما سبق نمی‌شود مگر این که در قانون به آن تصریح شده باشد.

(۲) قانون جزایی عطف به ماسبق نمی‌شود مگر این که به نفع متهم باشد.

ماده چهل و نهم

(۱) هیچ یک از شهروندان افغانستان به خاطر اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی‌شود، مگر بر اساس تعامل بالمثل، پیمان دو طرفه یا پیمان‌های بین‌الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.

(۲) هیچ شهروندی به تبعید در داخل یا خارج افغانستان و محرومیت از بازگشت به وطن محکوم نمی‌شود.

ماده چهل‌وهشتم

(۱) سپردن پناهنده سیاسی به مقام خارجی یا باز گرداندن اجباری وی به کشوری که از آن فرار کرده است جایز نیست.

(۲) پناهندگی سیاسی به کسانی که به ارتکاب جرایم بین المللی یا تروریستی متهم شده‌اند یا کسانی که به افغانستان خساراتی وارد کرده‌اند، اعطا نمی‌شود.

(۳) امور پناهندگی در افغانستان در قانون تنظیم می‌گردد.

ماده چهل‌ونهم

(۱) مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی‌شود، مگر این که در قانون محدودیتی در نظر گرفته شده باشد.

(۲) طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده پنجاهم

(۱) مشارکت در امور عمومی و برخورداری از حقوق سیاسی و مدنی از جمله حق رأی، انتخاب کردن، نامزد شدن و شرکت در همه‌پرسی، حق همه شهروندان است

(۲) شرایط و طرز استفاده از حق رأی در قانون تنظیم می‌گردد.

ماده پنجاه و یکم

(۱) آزادی بیان از تعرض مصون است.

(۲) هر شهروند افغانستان حق دارد اندیشه خود را به وسیله گفتار، نوشتار، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی بیان نماید.

(۳) هر شهروند افغانستان حق دارد مطابق به احکام قانون، مطالب خود را بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، نشر کند.

(۴) احکام مربوط به چاپخانه‌ها، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات، انترنیت، شبکه‌های اجتماعی و سایر وسایل ارتباط جمعی در قانون تنظیم می‌گردد.

ماده پنجاه و دوم

(۱) شهروندان افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی یا معنوی، مطابق با احکام قانون، سازمان‌های اجتماعی تأسیس نمایند.

(۲) شهروندان افغانستان حق دارند، مطابق با احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر این که:

۱- مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض اصول و ارزش‌های مندرج این قانون اساسی نباشد؛

۲- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد؛

۳- اهداف و تشکیلات نظامی یا شبه نظامی نداشته باشد.

(۳) اجبار افراد برای پیوستن به حزب، جمعیت یا یک تشکل سیاسی یا واداشتن آنان به ادامه عضویت در آن و یا سلب عضویت افراد از احزاب سیاسی ممنوع است.

(۴) حزب و سازمان اجتماعی‌ای که مطابق با احکام قانون تشکیل می‌شود، بدون دلایل قانونی و حکم دادگاه با صلاحیت، منحل نمی‌شود.

ماده پنجاه و سوم

شهروندان افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد قانونی، بدون حمل سلاح، مطابق با احکام قانون، اجتماع و تظاهرات نمایند یا اعتصاب کنند.

ماده پنجاه و چهارم

(۱) آزادی و حریمیت مکاتبات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب و چه به وسیله تلفون، تلگراف، وسایل الکترونیک و یا ابزارهای فن‌آوری دیگر، از تعرض مصون است.

(۲) دولت حق بازرسی مکاتبات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق با احکام قانون.

ماده پنجاه و پنجم

(۱) حریم خصوصی و مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخصی، به شمول دولت، نمی‌تواند بدون اجازه ساکن یا قرار دادگاه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را بازرسی نماید.

(۲) در مورد جرم مشهود، مأمور ضبط قضایی می‌تواند بدون اجازه قبلی دادگاه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را بازرسی کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای بازرسی، در خلال مدتی که قانون تعیین می‌کند، قرار دادگاه را حاصل نماید.

ماده پنجاه و ششم

(۱) هر شهروند افغانستان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است.

(۲) هر شهروند افغانستان حق دارد مطابق با احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند.

(۳) دولت از حقوق شهروندان افغانستان در خارج از کشور حمایت می‌نماید.

ماده پنجاه و هفتم

(۱) ملکیت از تعرض مصون است.

(۲) هیچ شخصی از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی‌شود، مگر در حدود احکام قانون.

(۳) ملکیت هیچ شخصی، بدون حکم قانون و فیصله دادگاه با صلاحیت مصادره نمی‌شود.

(۴) شهروند افغانستان در هر جای کشور حق ملکیت دارد.

(۵) استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض

قبلی و عادلانه و به موجب احکام قانون مجاز می‌باشد.

(۶) تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می‌گیرد.

ماده پنجاه و هشتم

(۱) اشخاص خارجی در افغانستان حق مالکیت اموال غیر منقول را ندارند.

(۲) اجاره اموال غیر منقول به منظور سرمایه‌گذاری، مطابق با احکام قانون مجاز می‌باشد.

(۳) فروش زمین به نمایندگی‌های سیاسی دول خارجی و به مؤسسات بین‌المللی‌ای که افغانستان عضو آنها باشد، مطابق با احکام قانون، مجاز می‌باشد.

ماده پنجاه و نهم

(۱) املاک و اموال عمومی حرمت دارد و محافظت از آن بر هر شهروندی لازم است.

(۲) احکام ویژه مربوط به حفظ و اداره املاک و اموال عمومی، شرایط تصرف در آنها و موارد دیگر در قانون تنظیم می‌گردد.

ماده شصتم

(۱) هر شهروند افغانستان مکلف است مطابق با احکام قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند.

(۲) هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، وضع نمی‌شود.

- (۳) اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن، توسط قانون تعیین می‌گردد.
- (۴) حکم این ماده در مورد اشخاص و مؤسسات خارجی نیز تطبیق می‌شود.
- (۵) هر نوع مالیه، محصول و عواید تأدیه شده، به حساب واحد دولتی در مرکز یا ایالات، تحویل داده می‌شود.
- (۶) تعدیل یا معافیت مالیاتی فقط بر اساس قانون صورت می‌گیرد.
- (۷) افراد کم درآمد از پرداخت مالیات معاف می‌شوند تا به حداقل درآمد برای زندگی، لطمه‌ای وارد نشود. جزئیات این حکم در قانون تنظیم می‌شود.

ماده شصت و یکم

- (۱) تعلیم حق تمام شهروندان افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد.
- (۲) دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، برنامه‌های مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آن‌ها تکلم می‌کنند فراهم کند.

ماده شصت و دوم

- دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان و امحای بی‌سواد در کشور، برنامه‌های مؤثر طرح و تطبیق نماید.

ماده شصت و سوم

- (۱) دولت نصاب تعلیمی را بر مبنای ارزش‌های دینی، تنوع فرهنگی و مطابق با

اصول علمی، طرح و تطبیق می‌کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می‌نماید.

(۲) هر ایالت می‌تواند خصوصیات فرهنگی محلی خود را نیز در نصاب تعلیمی ایالت شامل گرداند.

ماده شصت و چهارم

(۱) هیچ شهروندی صرفاً به دلیل نژاد، دین، مذهب، جنسیت، طبقه اجتماعی یا محل تولد، از ورود به مؤسسات آموزشی‌ای که بودجه آن از طرف دولت تأمین می‌گردد، محروم نمی‌شود.

(۲) شخصی که وارد یک مؤسسه آموزشی می‌شود، به فراگیری تعلیم دینی، یا شرکت در مراسم و عبادات مذهبی غیر از مذهب خود، مجبور ساخته نمی‌شود.

(۳) در مورد مؤسسات آموزشی مذهبی، از لحاظ اعطای بخشودگی یا دادن امتیاز در خصوص وضع مالیات، نسبت به هیچ گروهی تبعیض وجود ندارد.

(۴) برای هیچ گروه دینی یا فرقه مذهبی، در زمینه ارائه تعلیم مذهبی به پیروان دین یا فرقه مزبور، در هر مؤسسه آموزشی‌ای که کاملاً توسط آن گروه یا فرقه مذهبی تأسیس شده باشد، ممنوعیتی وجود ندارد.

(۵) احکام مندرج در این ماده، مانع از آن نمی‌شود که دولت برای پیشرفت گروه‌هایی از شهروندان که از لحاظ اجتماعی یا آموزشی دچار محرومیت بوده‌اند، تدابیر خاصی اتخاذ نماید.

ماده شصت و پنجم

دولت زمینه آموزش درست تعلیمات دینی را فراهم می کند و برای رشد و تنظیم بهتر امور مساجد و اوقاف، تدابیر لازم را اتخاذ می نماید.

ماده شصت و ششم

- (۱) تأسیس و اداره مؤسسات آموزش عالی وظیفه دولت است.
- (۲) شهروندان افغانستان می توانند با اجازه دولت به تأسیس مؤسسات تعلیمی، آموزش عالی و سواد آموزی اقدام نمایند.
- (۳) دولت می تواند تأسیس مؤسسات تعلیمی و آموزش عالی را به اشخاص خارجی نیز مطابق با احکام قانون اجازه دهد.
- (۴) شرایط شمول در مؤسسات آموزش عالی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده شصت و هفتم

- (۱) دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر برنامه های مؤثر طرح می نماید.
- (۲) دولت حقوق مالکیت فکری را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند و استفاده مؤثر از نتایج آن را، مطابق با احکام قانون، تعمیم می بخشد.

ماده شصت و هشتم

- (۱) کار حق همه شهروندان است. دولت مکلف است زمینه کاری را که حداقل معیشت برای شهروندان را تأمین کند فراهم نماید.
- (۲) تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار، کارگر و کارفرما و سایر امور مربوط به آن، با رعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تنظیم می گردد.
- (۳) انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می باشد.
- (۴) دولت حق تأسیس اتحادیه های صنفی یا پیوستن به آنها را تضمین می کند و این امر بر اساس قانون تنظیم می گردد.

ماده شصت و نهم

- (۱) کار اجباری ممنوع است.
- (۲) سهم گیری فعال در حالت جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وجایب ملی همه شهروندان می باشد.
- (۳) تحمیل کار بر کودکان و بهره برداری اقتصادی از آنان ممنوع است و دولت اقدامات مناسب برای حمایت از آنان را اتخاذ می کند.

ماده هفتادم

- (۱) هر شهروندی حق دارد که در صورت واجد شرایط بودن، بدون هیچ گونه تبعیض از جهت نژاد، دین، مذهب، زبان، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت یا زادگاه، در اداره عامه استخدام شود.

(۲) اداره عامه، اداره مسلکی و غیر سیاسی بوده و اجراءات خود را با بی طرفی کامل و مطابق با احکام قانون انجام می دهد.

(۳) شهروندان افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد.

(۴) دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره ملکی مسلکی، مدیریت سالم منابع بشری و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور، «کمیسیون مستقل خدمات و اداره عامه» را ایجاد نماید.

(۵) نحوه تعیین رئیس و اعضا و وظایف و طرز فعالیت کمیسیون خدمات و اداره عامه در قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتاد و یکم

(۱) هر شخصی که از اداره بدون موجب متضرر شود، مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در دادگاه اقامه دعوا کند.

(۲) به استثنای حالاتی که در قانون تصریح گردیده است، دولت نمی تواند بدون حکم دادگاه باصلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

ماده هفتاد و دوم

(۱) دولت وسایل وقایه و تداوی امراض و بیمه صحی را برای همه شهروندان مطابق با احکام قانون تأمین می نماید.

- (۲) دولت تأسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحتی خصوصی را مطابق با احکام قانون، تشویق و حمایت می‌کند.
- (۳) دولت به منظور تقویت سلامت جامعه، تربیت بدنی سالم و انکشاف ورزش‌های ملی و محلی، تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

ماده هفتادوسوم

- (۱) هر فردی حق دارد در محیط زیست سالم زندگی کند.
- (۲) دولت، محافظت از سلامت محیط زیست و تنوع زیستی را مطابق با احکام قانون بر عهده دارد.
- (۳) هر گونه اقدام یا فعالیتی که منجر به تخریب محیط زیست و نقض حقوق زیست محیطی شود ممنوع است.

ماده هفتادوچهارم

- (۱) دولت به منظور تنظیم خدمات صحتی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهدا و مفقودین و برای بازتوانی ناتوانان جسمی و روحی و سهم‌گیری فعال آنان در جامعه، مطابق با احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.
- (۲) دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن سالان، ازکارافتادگان، ناتوانان، آوارگان، زنان بی‌سرپرست و یتام بی‌بضاعت، بیمه اجتماعی را مطابق با احکام قانون فراهم می‌کند.

ماده هفتادوپنجم

(۱) خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد.

(۲) دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و تأمین شرایط مناسب برای رشد توانایی‌های نوجوانان و جوانان تدابیر لازم اتخاذ می‌کند.

(۳) تربیت، مراقبت و آموزش فرزندان مطابق با احکام قانون از وظایف والدین است و فرزندان نیز باید به والدین خود احترام گذارند و از آنان به خصوص در زمان ناتوانی و پیری مراقبت کنند.

(۵) هر نوع خشونت و اذیت و آزار در خانواده، مکتب و جامعه ممنوع است.

ماده هفتادوششم

(۱) دولت حقوق و آزادی‌های شهروندان خارجی را در افغانستان، طبق قانون تضمین می‌کند.

(۲) اشخاص خارجی در حدود قواعد حقوق بین‌الملل، مکلف به رعایت قوانین دولت افغانستان می‌باشند.

ماده هفتادوهفتم

(۱) دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و حمایت از آن، «کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان» را تأسیس می‌نماید.

(۲) هر شخص حق دارد در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید.

(۳) کمیسیون موظف است که موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آن‌ها مساعدت نماید.

(۴) تشکیل و طرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هفتاد و هشتم

هر فردی حق دارد از همه حقوق ذکر شده در معاهدات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی که افغانستان آن‌ها را پذیرفته و با این قانون اساسی منافاتی ندارد، برخوردار شود.

ماده هفتاد و نهم

دولت بر تقویت نقش نهادهای جامعه مدنی و حمایت، توسعه و استقلال آن‌ها مطابق با احکام قانون اقدام می‌کند.

ماده هشتادم

(۱) پیروی از احکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه، وجیهه تمام مردم افغانستان است.

(۲) بی‌خبری از احکام قانون عذر دانسته نمی‌شود.

(۳) علاوه بر آن، همه شهروندان مکلف به انجام وجیهه‌های اساسی ذیل هستند:

- ۱- احترام به سیستم سیاسی و حقوقی کشور، بیرق و سرود ملی و سایر نمادهای مورد احترام اقوام کشور؛
- ۲- احترام و حمایت تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، وحدت ملی، ثبات و امنیت کشور؛
- ۳- پذیرفتن و احترام به تنوع و تکثر فرهنگی و اجتماعی، تحکیم انسجام و روحیه تساهل و برادری بین همه مردم و پرهیز از تفرقه و منازعات دینی، مذهبی، قومی، زبانی و سمتی؛
- ۴- اجتناب از هر نوع خشونت و عمل خلاف کرامت یا توهین آمیز به زنان؛
- ۵- تقدیر و محافظت از فرهنگ غنی و آثار تمدنی کشور؛
- ۶- حمایت و بهبود محیط طبیعی به شمول جنگل‌زارها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، حیات وحش و رأفت با موجودات و مخلوقات زنده؛
- ۷- تحول و توسعه روحیه علمی و تقویت روحیه مطالعه، کاوش و پژوهش؛
- ۸- حمایت و محافظت اموال و املاک عامه و پرهیز از رفتار غیرمسئولانه؛
- ۹- تلاش صادقانه برای ترقی در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی به منظور پیشرفت ملت و کسب مدارج عالی؛
- ۱۰- تلاش پدران، مادران و اولیای کودکان برای فراهم کردن زمینه تعلیم آنان مخصوصاً برای آنانی که در سنین بین ۶ و ۱۴ قرار دارند؛
- ۱۱- سایر مواردی که در این قانون اساسی به عنوان مسئولیت‌های شهروندان درج شده باشد.

فصل سوم - قوه مقننه فدرال (شورای ملی فدرال)

ماده هشتاد و یکم

ارکان اصلی دولت فدرال، شامل بر سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه است. همه قوای سه گانه فدرال و نهادهای تابعه، ناشی از اراده مردم هستند و هر یک از آن‌ها براساس تفکیک وظایف بین قوا، وظایف و مأموریت‌های خود را مطابق احکام این قانون اساسی انجام می‌دهند.

ماده هشتاد و دوم

- (۱) شورای ملی دولت جمهوری فدرال افغانستان، به عنوان عالی‌ترین ارگان تقنینی، مظهر اراده مردم آن است.
- (۲) اعضای شورای ملی تنها نماینده افرادی که آنان را انتخاب کرده‌اند، نیستند، بلکه از تمام مردم نمایندگی می‌کنند.

ماده هشتاد و سوم

- (۱) شورای ملی متشکل از دو «مجلس نمایندگان» و «مجلس سنا» می‌باشد.
- (۲) هیچ شخصی نمی‌تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد.

ماده هشتاد و چهارم

- (۱) اعضای شورای ملی توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و

مستقیم برای مدت چهار سال انتخاب می گردند.

(۲) انتخابات اعضای شورای ملی در خلال مدت شصت روز قبل از پایان دوره آن برگزار می گردد.

ماده هشتاد و پنجم

(۱) تعداد اعضای مجلس نمایندگان به تناسب نفوس هر حوزه، دوصد و پنجاه تا حد اکثر سه صد نفر می باشد.

(۲) نمایندگی متناسب و عادلانه برای تمام مردم کشور، از طریق نظام انتخاباتی مختلط تأمین می گردد.

(۳) هر حزبی که در انتخابات، دو کرسی را کسب می کند، یکی از آن دو را به زنان واجد شرایط اختصاص می دهد و هرگاه بیش از دو کرسی را کسب کند، سی درصد کرسی های خود را به زنان واجد شرایط اختصاص می دهد.

(۴) جزئیات نظام انتخاباتی، حوزه های انتخابیه و سایر امور مربوط به انتخابات در قانون انتخابات تنظیم می گردد.

ماده هشتاد و ششم

(۱) ایالت ها در امر قانون گذاری و اداره دولت فدرال، علاوه بر مجلس نمایندگان، از طریق مجلس سنا مشارکت می کنند.

(۲) اعضای مجلس سنا حافظ حقوق و منافع مردم ایالت خود می باشند.

(۳) اعضای مجلس سنا از همه ایالات به طور مساوی انتخاب می شوند.

(۴) تعداد اعضای مجلس سنا از هر ایالت پنج نفر می‌باشد.

(۵) سایر امور مربوط به انتخاب اعضای سنا در قانون انتخابات تنظیم می‌گردد.

ماده هشتاد و هفتم

(۱) دولت مکلف است برای برگزاری هر نوع انتخابات و همه‌پرسی، «کمیسیون مستقل ملی انتخابات» را تأسیس کند.

(۲) کمیسیون مستقل انتخابات دارای ۹ عضو به شمول رئیس می‌باشد که با پیشنهاد رئیس جمهور و تأیید شورای ملی فدرال تعیین می‌شوند.

(۳) تشکیل و طرز فعالیت کمیسیون مستقل انتخابات در قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هشتاد و هشتم

وثایق انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل انتخابات، مطابق به احکام قانون تأیید می‌گردد.

ماده هشتاد و نهم

شخصی که به عضویت شورای ملی کاندید می‌شود، علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب‌کنندگان واجد اوصاف ذیل می‌باشد:

۱- شهروند افغانستان بوده یا حداقل ده سال قبل از تاریخ کاندید شدن، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد؛

۲- تحصیلات دانشگاهی داشته باشد؛

۳- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق

مدنی محکوم نشده باشد؛

۴- اعضای مجلس نمایندگان سن بیست و پنج سالگی و اعضای مجلس سنا سن سی و پنج سالگی را در روز کاندید شدن تکمیل کرده باشند.

ماده نودم

(۱) هر یک از دو مجلس شورای ملی، در آغاز دوره کار، یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس برای یک دوره تقنینیه و دو نفر را به حیث نایب اول و نایب دوم و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یک سال انتخاب می کند.

(۲) این اشخاص هیأت اداری مجلس نمایندگان و مجلس سنا را تشکیل می دهند.

(۳) اعضای هیأت اداری از میان نمایندگان ایالات مختلف انتخاب می شوند.

(۴) نحوه انتخاب و وظایف هیأت اداری، در اصول وظایف داخلی هر مجلس تعیین می شود.

ماده نود و یکم

هر یکی از دو مجلس شورای ملی برای مطالعه موضوعات مورد بحث، بر طبق اصول وظایف داخلی، کمیسیون ها تشکیل می دهد.

ماده نود و دوم

(۱) مجلس نمایندگان صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضا، جهت بررسی و

مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید.

(۲) ترکیب و طرز العمل این کمیسیون در اصول وظایف داخلی مجلس نمایندگان تنظیم می‌گردد.

ماده نودوسوم

هر دو مجلس شورای ملی دارای صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی؛

انتخاب رئیس جمهور و معاونان وی و رئیس و اعضای دیوان عالی فدرال در مجمع ملی فدرال مطابق ماده یکصدوهجدهم این قانون اساسی؛

تصویب برنامه‌های انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی؛

تصویب بودجه دولتی، برنامه‌های انکشافی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه؛

تصویب ایجاد ایالت جدید، تعدیل و یا الغای آن؛

تصدیق معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن؛

سایر صلاحیت‌های مندرج این قانون اساسی.

ماده نودوچهارم

مجلس نمایندگان در مورد رأی اعتماد به حکومت و استیضاح هر یک از اعضای کابینه، مطابق به احکام این قانون اساسی، دارای صلاحیت اختصاصی می‌باشد.

ماده نود و پنجم

- (۱) مجلس نمایندگان به پیشنهاد بیست فی صد کل اعضا، می تواند از هر یک از وزرا استیضاح به عمل آورد.
- (۲) هرگاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، مجلس نمایندگان موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی می کند.
- (۳) رأی عدم اعتماد با اکثریت آرای کل اعضای مجلس نمایندگان صادر می گردد.

ماده نود و ششم

در مورد آن دسته از قوانین و برنامه های دولت فدرال که منافع مردم یک یا چند ایالت را به طور خاص متأثر می سازد، نمایندگان آن ایالت یا ایالت ها در مجلس سنا در صورتی که در آن مورد اتفاق نظر داشته باشند، از حق وتو برخوردار هستند.

ماده نود و هفتم

- (۱) هریک از کمیسیون های هردو مجلس شورای ملی می تواند از هریک از وزرا در موضوعات معین سؤال نماید.
- (۲) شخصی که از او سؤال به عمل آمده، می تواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

ماده نود و هشتم

(۱) قانون فدرال عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد.

(۲) قانون ایالت عبارت است از مصوبه شورای ایالتی که به توشیح رئیس اداره ایالت رسیده باشد.

ماده نود و نهم

همه اسناد تقنینی دولت فدرال و ایالات بعد از توشیح توسط مقامات مربوطه، با نشر در جریده رسمی که مطابق قانون تأسیس می شود، مرعی الاجرا می گردد.

ماده یکصدم

(۱) پیشنهاد طرح قانون فدرال از طرف حکومت فدرال یا اعضای هر یک از هر دو مجلس شورا و از طرف دیوان عالی تنها در ساحه تنظیم امور قضایی صورت گرفته می تواند.

(۲) پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی فدرال، صرف از طرف حکومت فدرال و مطابق با نظر و توصیه های کمیسیون ملی مالی مندرج در ماده یکصد و بیست و هشتم صورت می گیرد.

ماده یکصد و یکم

هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف هر یک از دو مجلس، شامل تعهدات مالی جدید برای دولت یا کاهش عایدات باشد، تنها در صورتی در فهرست کار

شورای ملی اضافه می‌گردد که در متن پیشنهاد، منابع مالی مورد نیاز برای تأمین این تعهدات و جبران کاهش عایدات شامل امکان پذیری مالی، مؤثریت اقتصادی، تخمین هزینه‌ها و ارزیابی تأثیرات مالی بر بودجه عمومی به صورت مستند و مشخص از سوی کمیسیون بودجه مجلس، همراه طرح قانون پیش‌بینی شده باشد.

ماده یکصدودوم

(۱) پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت، نخست به مجلس نمایندگان جهت تصویب تقدیم می‌گردد.

(۲) مجلس نمایندگان نمی‌تواند طرح پیشنهاد شده را بیش از ۳۰ روز کاری به تأخیر اندازد.

(۳) مجلس نمایندگان طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مجلس سنا می‌سپارد.

(۴) مجلس سنا در ظرف ۱۵ روز کاری در مورد آن تصمیم اتخاذ می‌کند.

(۵) شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین، معاهدات و برنامه‌های انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاب رسیدگی عاجل را نماید اولویت می‌دهد.

(۶) هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد، بعد از تأیید یک‌پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارائه شده است، در فهرست کار آن مجلس داخل می‌گردد.

ماده یکصد و سوم

- (۱) بودجه دولت و برنامه‌های انکشافی دولت فدرال ابتدا در مجلس سنا و سپس در مجلس نمایندگان به تصویب می‌رسد.
- (۲) هرگاه نظر به عواملی، تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق می‌گردد.
- (۳) حکومت در خلال ماه اول ربع چهارم سال مالی، بودجه سال آینده را با حساب اجمالی بودجه سال جاری به شورای ملی تقدیم می‌نماید.
- (۴) حساب قطعی بودجه سال مالی قبل، در خلال مدت شش ماه سال آینده، مطابق با احکام قانون، به شورای ملی تقدیم می‌گردد.
- (۵) شورای ملی نمی‌تواند تصویب بودجه را بیش از ۳۰ روز کاری و اجازه اخذ و یا اعطای قرضه را که شامل بودجه نباشد، بیش از ۱۵ روز کاری به تأخیر اندازد.
- (۶) هرگاه شورای ملی در این مدت، راجع به پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد تصویب شده محسوب می‌گردد.

ماده یکصد و چهارم

- در صورتی که در اجلاس شورای ملی، بودجه سالانه یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی و استقلال کشور مطرح باشد، مدت اجلاس شورا قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی‌تواند.

ماده یکصد و پنجم

(۱) هرگاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برای حل اختلاف هیأت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس تشکیل می‌گردد.

(۲) فیصله هیأت بعد از توشیح رئیس جمهور، نافذ شمرده می‌شود.

(۳) در صورتی که هیأت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه رد شده به حساب می‌رود و تا یکسال مجدداً در دستور کار شورای ملی قرار نمی‌گیرد، مگر این که بر اساس ضرورت، در جلسه مشترک هر دو مجلس، با موافقه دو ثلث اعضای حاضر در جلسه مشترک مجدداً تصویب شود.

ماده یکصد و ششم

(۱) هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه‌ای که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می‌دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.

(۲) هر عضو شورا در موقع اظهار رأی، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را رعایت می‌کند و از اظهاراتی که موجب نفرت نژادی، قومی، دینی و مذهبی می‌شود اجتناب می‌ورزد.

ماده یکصد و هفتم

(۱) هرگاه عضو شورای ملی در جرمی مظنون واقع شود، مأمور مسئول موضوع، به مجلسی که شخص مظنون عضو آن است، اطلاع می‌دهد و مظنون تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می‌تواند.

(۲) در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می‌تواند مظنون را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن می‌باشد، تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.

(۳) در هر دو حالت، هرگاه تعقیب عدلی مطابق قانون توقیف را ایجاب کند، مأمور مسئول مکلف است موضوع را بلا فاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند و تصویب آن را حاصل نماید.

(۴) اگر مظنونیت یا اتهام در هنگام تعطیل شورا صورت بگیرد، اجازه گرفتاری یا توقیف از هیأت اداری مجلس مربوط حاصل می‌گردد و موضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارائه می‌شود.

ماده یک‌صد و هشتم

(۱) نخست وزیر و وزرا می‌توانند با تقاضای قبلی در جلسات هریک از دو مجلس شورای ملی اشتراک ورزند.

(۲) هر مجلس شورای ملی می‌تواند حضور وزرا را در جلسه خود مطالبه کند.

ماده یک‌صد و نهم

(۱) هردو مجلس شورای ملی در دوره تقنینیه واحد، به صورت جداگانه، جلسات خود را برگزار می‌کنند.

(۲) جلسه هردو مجلس در موارد ذیل می‌تواند به طور مشترک دایر شود:

۱- در مواقعی که دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف رئیس جمهور افتتاح می‌گردد؛

۲- در صورتی که رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد؛

۳- سایر موارد مندرج در این قانون اساسی.

(۳) رئیس مجلس سنا، از جلسات مشترک شورای ملی ریاست می نماید.

ماده یک صد و دهم

(۱) جلسات شورای ملی علنی می باشند مگر این که رئیس مجلس یا حداقل ده نفر از اعضای شورای ملی، سری بودن آن را درخواست نمایند و مجلس این درخواست را بپذیرد.

(۲) هیچ شخصی نمی تواند با اعمال زور به مقرر شورای ملی داخل شود.

ماده یک صد و یازدهم

در هنگام رأی گیری، نصاب هریک از دو مجلس شورای ملی، با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد و تصامیم با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می شود، مگر در مواردی که این قانون اساسی طور دیگری تصریح نموده باشد.

ماده یک صد و دوازدهم

(۱) شورای ملی در هر سال دو اجلاس عادی دایر می کند. مدت کار هر دو اجلاس شورا، در هر سال نه ماه می باشد. در صورت ایجاب، شورا می تواند این مدت را تمدید کند.

(۲) جلسات فوق العاده شورا در ایام تعطیل به امر رئیس جمهور دایر شده می تواند.

ماده یک صد و سی و نهم

(۱) در حالات وفات، استعفا و عزل عضو شورای ملی و یا ناتوانی ای که به طور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، تعیین نماینده جدید برای مدت باقی مانده دوره تقنینه، مطابق با احکام قانون صورت می گیرد.

(۲) امور مربوط به حضور و غیاب اعضای شورای ملی در اصول و ظایف داخلی تنظیم می گردد.

ماده یک صد و چهاردهم

پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات، در یک سال اخیر دوره تقنینیه در فهرست کار شورای ملی داخل شده نمی تواند.

ماده یک صد و پانزدهم

(۱) به منظور نظارت بر مصرف درست و قانونی بودجه عمومی، «دیوان محاسبات» زیر نظر شورای ملی ایجاد می شود.

(۲) رئیس دیوان با پیشنهاد رئیس جمهور، توسط شورای ملی برای پنج سال انتخاب می گردد.

(۳) دیوان محاسبات، بودجه و مصارف دولت فدرال و ایالات و هر مقام یا اداره ای را که توسط حکومت مرکزی یا ایالتی تأسیس شده باشد، بررسی و تقشیش می کند و گزارش خود را به شورای ملی تقدیم می نماید.

(۴) هر یک از هر دو مجلس شورای ملی و همچنین رئیس جمهور می تواند از

دیوان محاسبات بخواهد که قضیه یا مورد خاصی را به طور جداگانه مورد تفتیش و بررسی قرار دهد.

(۵) نحوه انتخاب یا عزل رئیس دیوان و تشکیل و وظایف دیوان محاسبات در قانون تنظیم می گردد.

فصل چهارم - قوه مجریه فدرال

ماده یک صد و شانزدهم

قوه مجریه دولت فدرال افغانستان دارای دو نهاد ذیل می باشد: ۱- ریاست جمهوری فدرال؛ ۲- شورای وزیران فدرال (نخست وزیر و وزیران).

الف - ریاست جمهوری

ماده یک صد و هفدهم

رئیس جمهور، رئیس دولت و عالی ترین مقام سیاسی در دولت فدرال و نماد وحدت فدراسیون است.

ماده یک صد و هجدهم

(۱) «مجمع ملی فدرال» رئیس جمهور و معاونین وی را برای مدت چهار سال، از میان شهروندانی که واجد شرایط انتخاب در شورای ملی باشند، به طور دوره ای از میان اقوام کشور و با رعایت ترکیب جنسیتی به گونه ای انتخاب می کنند که بیش از یک نفر آن ها از یک قوم یا از یک حزب سیاسی نباشند.

(۲) رئیس جمهور فدرال دارای چهار معاون می باشد.

(۳) «مجمع ملی فدرال» متشکل است از: همه اعضای هر دو مجلس شورای ملی و شوراهای ایالات.

ماده یکصد و نوزدهم

(۱) در آغاز هر دوره جدید شورای ملی، رئیس جمهور و معاونان وی انتخاب می شوند.

(۲) رئیس جمهور قبلی تا زمانی که رئیس جدید توسط مجمع ملی فدرال انتخاب شود، به کار خود ادامه می دهد.

ماده یکصد و بیستم

رئیس جمهور قبل از تصدی وظیفه، مطابق با طرز العمل خاص که توسط قانون تنظیم می گردد، حلف آتی را به جا می آورد:

بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان و نظام جمهوری فدرال، حراست و حقوق و منافع تمام مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه تأمین عدالت، سعادت و ترقی و حفظ اتحاد مردم افغانستان به کار برم.»

ماده یک صد و بیست و یکم

هرگاه سمت ریاست جمهوری یا معاونان وی قبل از تکمیل شدن دوره چهار ساله بلاتصدی شود، مجمع مندرج در ماده یکصد و هجدهم افراد جایگزین را برای مدت باقی مانده دوره انتخاب می کند.

ماده یک صد و بیست و دوم

رئیس جمهور و معاونان وی تا زمانی که در این سمت هستند، نمی توانند متصدی خدمت دیگری در دولت شوند یا شغل دیگری داشته باشند.

ماده یک صد و بیست و سوم

(۱) رئیس جمهور و معاونان وی شورای ریاست جمهوری را تشکیل می دهند و در امور شامل در صلاحیت های مقام ریاست جمهوری به طور مشترک تصمیم می گیرند مگر این که در این قانون اساسی طور دیگری تصریح شده باشد.

(۲) وظایف و صلاحیت های معاونان ریاست جمهوری، مطابق مصوبه ای که بین رئیس جمهور و معاونان وی صورت می گیرد، تعیین می گردد.

ماده یک صد و بیست و چهارم

برای رئیس و معاونان ریاست جمهوری، معاش مناسب از بودجه دولت فدرال تعیین می گردد.

ماده یک صد و بیست و پنجم

صلاحیت‌ها و وظایف ریاست جمهوری، در محدوده این قانون اساسی، عبارتند از:

۱- ارائه گزارش وضعیت داخلی و خارجی کشور به شورای ملی در آغاز هر اجلاس سالانه شورای ملی؛

۲- معرفی نخست وزیر به مجلس نمایندگان مطابق احکام این قانون اساسی؛

۳- فرماندهی عالی نیروهای مسلح؛

۴- تخفیف و عفو مجازات با پیشنهاد دیوان عالی مطابق به احکام قانون؛

۵- تأیید معاهدات و توافقنامه‌های بین المللی پس از موافقت شورای ملی؛

تأیید رئیس جمهور در خلال پانزده روز پس از تاریخ دریافت متن معاهدات و توافقنامه‌های تأیید شده صورت می‌گیرد.

۶- توشیح قوانینی که در شورای ملی تصویب می‌شود؛

توشیح قوانین در خلال پانزده روز از تاریخ دریافت آن صورت می‌پذیرد.

۷- افتتاح مجلس شورای ملی پس از پانزده روز از تأیید نتایج انتخابات و در حالت‌های دیگری که در قانون اساسی به آن تصریح شده است؛

۸- اعطای مدال و نشان به توصیه نخست وزیر و مطابق با احکام قانون؛

۹- معرفی سفرا و نمایندگان افغانستان در کشورها و مجامع بین المللی با پیشنهاد نخست وزیر و پذیرش سفرا و نمایندگان خارجی؛

۱۰- تأیید آن دسته از احکام دادگاهها که مطابق قانون نیاز به تأیید رئیس جمهور داشته باشد؛

۱۱- اعلام برگزاری همه پرسی در مسایل مهم سیاسی و امنیتی مرتبط به سرنوشت عمومی کشور با پیشنهاد نخست وزیر؛

۱۲- وظایف دیگری که در این قانون اساسی به آن تصریح شده باشد.

ماده یک صد و بیست و ششم

(۱) با فرمان ریاست جمهوری، «شورای عالی امنیت ملی فدرال» مرکب از نخست وزیر که رئیس شورا خواهد بود و وزرا و رؤسای وزارتها و ادارات نظامی و امنیتی فدرال، وزیر امور خارجه فدرال و وزیر مالیه فدرال تشکیل می گردد.

(۲) تشکیل و وظایف شورای عالی امنیت ملی فدرال در مقررده جداگانه تنظیم می گردد.

ماده یک صد و بیست و هفتم

(۱) با فرمان ریاست جمهوری، «شورای عالی اقتصادی فدرال» مرکب از نخست وزیر که رئیس شورا خواهد بود و اعضای دیگر از نهادهای ذی ربط بنا به تشخیص و انتخاب رئیس جمهور به شمول یک عضو از هر ایالت بنا به پیشنهاد حکومت آن ایالت، تشکیل می گردد.

(۲) شورای عالی اقتصادی اوضاع عمومی اقتصادی کشور را بررسی نموده و برای راهنمایی حکومت فدرال و حکومت‌های ایالتی، برنامه‌هایی را در زمینه سیاست‌های مالی، تجارتی و اقتصادی مطابق به احکام قانون اساسی تدوین و تنظیم می‌کند و پیشنهادات خود را به حکومت و شورای ملی ارائه می‌نماید.

ماده یک صد و بیست و هشتم

(۱) رئیس جمهور در خلال سه ماه بعد از شروع کار در هر دوره تقنینیه، «کمیسیون ملی مالی» را به ریاست یکی از معاونان ریاست جمهوری و معاونت وزیر مالیه فدرال و عضویت وزرای مالیه ایالت‌ها و افراد متخصص امور اقتصادی و مالی دیگر به تشخیص خود ایجاد می‌کند.

(۲) وظیفه اصلی این کمیسیون ارائه طرح در مورد تقسیم درآمدها بین حکومت فدرال و ایالت‌ها به منظور استفاده بهینه از درآمدهای مالی فدرال و رعایت توازن و تأمین شفافیت و عدالت در تخصیص بودجه می‌باشد.

(۳) این کمیسیون در مورد وضع مالیات‌ها و نحوه تقسیم آن‌ها و کمک‌های بلاعوض حکومت فدرال به حکومت‌های ایالات و همچنین مسایل مربوط به استقراض و وام‌های دریافتی توسط حکومت فدرال و حکومت‌های ایالات، نیز توصیه‌های خود را صادر می‌کند.

(۴) پیشنهادات کمیسیون مالی ملی به ریاست جمهوری ارائه می‌گردد و در صورت موافقه ریاست جمهوری، جهت اجرا به شورای وزیران فدرال و

حکومت‌های ایالات ارسال می‌گردد.

(۵) همچنین پیشنهادات کمیسیون مالی ملی از طرف ریاست جمهوری به همراه یک یادداشت توضیحی راجع به اقدام انجام شده در مورد آن، به هر دو مجلس شورای ملی فدرال و شوراهای ایالتی ارائه می‌شود.

(۶) نحوه تقسیم درآمدها بین حکومت فدرال و حکومت‌های ایالات در قانون جداگانه فدرال تنظیم می‌گردد.

ماده یک صد و بیست و نهم

ریاست جمهوری دارای اداره امور ریاست جمهوری است که تشکیل و وظایف آن در یک مقررہ تنظیم می‌گردد.

ب- شورای وزیران

ماده یک صد و سی ام

(۱) رئیس جمهور، نامزد حزب یا ائتلافی را که در مجلس نمایندگان دارای اکثریت است، به تشکیل کابینه در خلال پانزده روز پس از تشکیل اولین جلسه مجلس نمایندگان مکلف می‌سازد.

(۲) نخست وزیر مکلف است کابینه خود را ظرف حداکثر سی روز کاری از تاریخ ابلاغ رئیس جمهور معرفی کند.

(۳) هرگاه نخست وزیر مکلف، در خلال مدت سی روز کاری، موفق به تشکیل کابینه نشود، رئیس جمهور حداکثر تا پانزده روز کاری، نامزد

جدیدی را از حزب یا ائتلافی که در مجلس نمایندگان دارای اکثریت است، مامور تشکیل کابینه می‌کند.

(۴) نخست وزیر مکلف، اسامی وزرا و برنامه‌های خود را به مجلس نمایندگان ارائه می‌کند و در صورت موافقت مجلس با اکثریت مطلق آرا (۵۰+۱) حکومت رأی اعتماد می‌گیرد.

(۵) در صورتی که نخست وزیر نتواند رأی اعتماد کسب کند، رئیس جمهور تا پانزده روز فرصت دارد، نامزد دیگری را برای تشکیل کابینه معرفی کند.

(۶) رئیس جمهور می‌تواند تا سه بار، نامزد جدید برای نخست وزیری معرفی کند. هرگاه تا سه بار نامزدان نخست وزیری نتوانند از مجلس نمایندگان رأی اعتماد بگیرند، مجلس نمایندگان منحل شده و انتخابات جدید با فرمان رئیس جمهور برگزار می‌گردد.

ماده یک صد و سی و یکم

نخست وزیر و وزیران، واجد شرایط ذیل می باشند:

- ۱- داشتن مدرک تحصیلات دانشگاهی؛
- ۲- داشتن حد اقل سن سی سالگی؛
- ۱- داشتن سایر شرایط ذکر شده برای عضویت شورای ملی.

ماده یک صد و سی و دوم

(۱) نخست وزیر، مسئول اجرای مستقیم سیاست‌های کلی دولت است و اداره شورای وزیران و ریاست نشست‌ها را بر عهده دارد.

(۲) نخست وزیر می‌تواند وزیران را از میان اعضای شورای ملی یا خارج از آنان انتخاب کند.

(۳) نخست وزیر صلاحیت دارد دارد وزیر را بر کنار کند.

(۴) نخست وزیر در تعیین اعضای شورای وزیران فدرال و سایر مقامات عالی حکومت فدرال، ترکیب جنسیتی و تعادل و توازن در میان اقوام و ایالات را رعایت می‌کند.

(۵) نخست وزیر برای عرصه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، حقوقی و اقتصادی، چهار معاون دارد که توسط خود او از میان ایالات و اقوام مختلف، برگزیده خواهند شد.

ماده یک صد و سی و سوم

نخست وزیر و وزیران قبل از تصدی وظیفه حلف آتی را در مجلس نمایندگان، به جا می‌آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می‌کنم که قانون اساسی فدرال و سایر قوانین افغانستان را رعایت، حقوق اساسی شهروندان را حفاظت و از نظام

جمهوری فدرال، استقلال، تمامیت ارضی و اتحاد مردم افغانستان حراست کنم و وظایف محوله را صادقانه انجام دهم.»

ماده یک صد و سی و چهارم

شورای وزیران وظایف ذیل را به عهده دارد:

- ۱- تطبیق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله‌های قطعی دادگاه‌ها؛
- ۲- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین‌المللی؛
- ۳- تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری؛
- ۴- ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی‌های عامه؛
- ۵- طرح و تطبیق برنامه‌های انکشافی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی؛
- ۶- ارائه گزارش به شورای ملی در ختم سالی در باره امور انجام شده و برنامه‌های عمده سال مالی جدید؛
- ۷- ایجاد ادارات و ارگان‌های وابسته به شورای وزیران با تأیید شورای ملی؛
- ۸- تصویب مقرره‌ها و اساسنامه‌ها در حدود صلاحیت طبق قانون؛
- ۹- ارائه مقرره‌ها و اساسنامه‌ها جهت توشیح به رئیس جمهور؛
- ۱۰- انجام سایر وظایفی که به موجب این قانون اساسی و قوانین دیگر از وظایف حکومت دانسته شده است.

ماده یک صد و سی و پنجم

(۱) رئیس جمهور در صورت خالی ماندن پست نخست وزیری بنا به هر دلیلی، عهده دار این پست می باشد.

(۲) در صورت خالی ماندن پست نخست وزیری، رئیس جمهور ظرف پانزده روز و بر اساس احکام مندرج در این قانون اساسی، نامزد دیگری را به تشکیل کابینه موظف می کند.

ماده یک صد و سی و ششم

(۱) شورای وزیران در یکی از حالات آتی منحل می گردد:

۱- استعفای نخست وزیر؛

۲- بیماری دوا مدار نخست وزیر که مانع اجرای وظیفه شود؛

۳- فوت نخست وزیر؛

۴- سلب اعتماد مجلس نمایندگان از نخست وزیر یا اکثریت اعضای شورای وزیران؛

۵- انحلال مجلس نمایندگان؛

۶- ختم دوره تقنینیه.

(۲) در تمام این حالات، حکومتی که منحل گردیده، الی تشکیل حکومت جدید تحت سرپرستی رئیس جمهور، به وظیفه خود ادامه می دهد.

ماده یک صد و سی و هفتم

(۱) وزیران، وظایف خود را به حیث آمرین وزارت‌های مربوطه، در داخل حدودی که این قانون اساسی و سایر قوانین تعیین می‌کند، اجرا می‌نمایند.

(۲) وزیران از وظایف مشخصه خود نزد نخست وزیر و شورای ملی مسئولیت دارند.

ماده یک صد و سی و هشتم

هرگاه رئیس جمهور، نخست وزیر یا وزیر، به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرایم متهم گردد، قضیه به دیوان عالی فدرال محول می‌گردد و توسط دادگاه خاص فدرال محاکمه می‌شوند.

ماده یک صد و سی و نهم

(۱) حکومت می‌تواند در حالت تعطیل شورای ملی در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرمان‌های تقنینی را ترتیب کند.

(۲) فرمان تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حایز می‌شود.

(۳) فرمان تقنینی باید در خلال ۳۰ روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود و در صورتی که از طرف شورای ملی رد شود، از اعتبار ساقط می‌گردد.

ماده یک صد و چهل

نخست وزیر و وزیران نمی‌توانند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به

ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی سوء استفاده نمایند.

ماده یکصد و چهل و یکم

برای نخست وزیر و اعضای شورای وزیران معاش مناسب توسط قانون تعیین می گردد.

ماده یکصد و چهل و دوم

تعداد، تشکیل و وظایف وزارت ها و وزیران توسط قانون تنظیم می گردد.

فصل پنجم - قوه قضائیه فدرال

ماده یک صد و چهل و سوم

- (۱) قوه قضائیه رکن مستقل دولت افغانستان می باشد.
- (۲) قوه قضائیه فدرال متشکل است از یک دیوان عالی، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه.
- (۳) دیوان عالی به حیث عالی ترین ارگان قضایی در رأس قوه قضائیه جمهوری فدرال افغانستان قرار دارد.
- (۴) قوه قضائیه هر ایالت مرکب است از یک دادگاه عالی، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه.

ماده یک صد و چهل و چهارم

- (۱) به منظور تعیینات شفاف در رهبری قوه قضائیه فدرال و ایالات و استفاده از کدرهای شایسته و متخصص، «کمیسیون ملی تعیینات قضایی» با ترکیب ذیل تشکیل می گردد:

۱- رئیس دیوان عالی فدرال به عنوان رئیس؛

۲- رئیس دادگاه عالی قانون اساسی به عنوان عضو؛

۳- وزیر عدلیه به عنوان عضو؛

۴- دادستان کل به عنوان عضو؛

۵- رئیس انجمن مستقل وکلای مدافع به عنوان عضو؛

۶- رؤسای کمیسیون های عدلی و قضایی هر دو مجلس شورای ملی به عنوان عضو؛

۷- رؤسای اپوزیسیون در هر دو مجلس شورای ملی به عنوان عضو؛

۸- رئیس پیشین دیوان عالی فدرال یا یکی از قدیمی ترین قضاات کشور به عنوان عضو.

(۲) در تعیین قضاات دادگاه عالی ایالتی علاوه بر اعضای مندرج در فقره (۱) این ماده، رئیس دادگاه عالی ایالت، وزیر عدلیه ایالت، دادستان کل ایالت و رئیس انجمن وکلای مدافع ایالت نیز عضویت می یابند.

(۳) در اولین دوره دولت فدرال افغانستان، در ترکیب کمیسیون مندرج فقره (۱) این ماده، افرادی که در سمت های معادل آنان در دوره انتقالی یا دوره جمهوریت خدمت کرده اند، توسط رئیس جمهور تعیین می شوند.

(۴) کمیسیون ملی تعیینات قضایی در مورد انجام وظایف خود، طرزالعمل خاصی را تنظیم می کند.

ماده یکصد و چهل و پنجم

(۱) کمیسیون ملی تعیینات قضایی مندرج ماده یکصد و چهل و چهارم این قانون اساسی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱- پیشنهاد قضاات دیوان عالی فدرال؛

۲- پیشنهاد قضاات دادگاه‌های عالی ایالات؛

۳- پیشنهاد اعضای دادگاه عالی قانون اساسی؛

۴- پیشنهاد دادستان کل فدرال و دادستان‌های کل ایالات.

(۲) کمیسیون ملی تعیینات قضایی در پیشنهاد افراد مندرج در فقره (۱) این ماده، علاوه بر سایر شرایط مندرج در این قانون اساسی، توازن جنسیتی و قومی را نیز رعایت می‌نماید.

ماده یک‌صد و چهل و ششم

(۱) دیوان عالی فدرال مرکب است از نه عضو که با پیشنهاد کمیسیون ملی تعیینات قضایی، از طرف رئیس جمهور برای یک دوره ده ساله، با رعایت احکام این قانون اساسی تعیین می‌گردند.

(۲) رئیس جمهور یکی از اعضا را به حیث رئیس دیوان عالی تعیین می‌کند.

(۳) دادگاه عالی هر ایالت نیز مرکب از نه عضو است که به ترتیب فوق تعیین می‌شوند.

ماده یک‌صد و چهل و هفتم

اعضای دیوان عالی و دادگاه‌های عالی به استثنای ماده یک‌صد و پنجاه و هفتم، تا تکمیل شدن دوره ده ساله، از وظایف شان عزل نمی‌شوند.

ماده یکصد و چهل و هشتم

(۱) اعضای دیوان عالی و دادگاه‌های عالی، واجد شرایط ذیل می‌باشند:

۱- سن رئیس و اعضا در حین تعیین، از چهل سال کمتر و از شصت و پنج سال بیشتر نباشد؛

۲- شهروند افغانستان باشد؛

۳- در علوم حقوقی و یا فقهی، تحصیلات عالی داشته و در نظام عدلی و قضایی افغانستان دارای حداقل ده سال تجربه باشد؛

۴- دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد؛

۵- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛

ماده یکصد و چهل و نهم

اعضای دیوان عالی و دادگاه‌های عالی نمی‌توانند در حال تصدی وظیفه، در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

ماده یکصد و پنجاهم

عضو دادگاه عالی هر ایالت از میان ساکنان واجد شرایط همان ایالت انتخاب می‌شود.

ماده یکصد و پنجاه و یکم

اعضای دیوان عالی قبل از اشغال وظیفه، حلف آتی را در شورای ملی و با

حضور رئیس جمهور و اعضای دادگاه‌های عالی در شورای ایالت و با حضور رئیس حکومت ایالت به جا می‌آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می‌کنم که حق و عدالت را بر طبق احکام دین اسلام، نصوص این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان تأمین نموده، وظیفه قضا را با کمال امانت، صداقت و بی‌طرفی اجرا نمایم.»

ماده یکصد و پنجاه و دوم

(۱) محاکم فدرال دارای صلاحیت رسیدگی در امور ذیل می‌باشد:

- ۱- دعاوی و اختلافاتی که مبتنی بر قوانین فدرال باشد؛
- ۲- دعاوی بین اشخاصی که از ایالات مختلف هستند (در صورتی که موضوع مورد دعوا حداقل «۵۰» هزار دالر یا معادل آن باشد)؛
- ۳- اختلافاتی که در آنها دولت فدرال یک طرف دعوا باشد؛
- ۴- محاکمه مقامات عالی دولتی و ایالات مطابق به احکام این قانون اساسی؛
- ۵- اختلافات مربوط به دیپلمات‌ها.

(۲) هر دعوا و اختلافی که در یکی از گروه‌های بالا قرار نگیرد، در دادگاه‌های ایالتی حل و فصل می‌شود.

ماده یکصد و پنجاه و سوم

با رعایت احکام این قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت و

اجرائات دیوان عالی و سایر دادگاه‌های فدرال و ایالات، امور مربوط به تعداد محاکم در مرکز و ایالات و احکام مربوط به قضات توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یک صد و پنجاه و چهارم

در مورد مأمورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می‌باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد و مکافات‌شان توسط دیوان عالی و دادگاه‌های عالی مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

ماده یک صد و پنجاه و پنجم

(۱) بودجه قوه قضائیه فدرال به مشوره حکومت از طرف دیوان عالی ترتیب گردیده، به حیث جزء بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می‌شود.

(۲) تطبیق بودجه قوه قضائیه فدرال از صلاحیت دیوان عالی می‌باشد.

(۳) بودجه قوه قضائیه ایالات از طرف دادگاه عالی هر ایالت ترتیب گردیده و توسط حکومت ایالتی به شورای ایالتی تقدیم می‌شود.

ماده یک صد و پنجاه و ششم

اعضای دیوان عالی و دادگاه‌های عالی بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره خدمت مستفید می‌شوند، مشروط به این که به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نورزند.

ماده یک صد و پنجاه و هفتم

هرگاه بیش از یک ثلث اعضای مجلس نمایندگان، محاکمه رئیس یا عضو دیوان عالی را و بیش از یک ثلث اعضای شورای ایالتی، محاکمه رئیس یا عضو دادگاه عالی همان ایالت را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نمایند و مجلس نمایندگان و شورای ایالتی این تقاضا را با اکثریت دوثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه تعلیق می شود و موضوع به دادگاه خاص فدرال که از طریق دیوان عالی تعیین می شود، محول می گردد. تشکیل دادگاه خاص و طرز العمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یک صد و پنجاه و هشتم

(۱) قضات فدرال به پیشنهاد دیوان عالی فدرال و منظوری رئیس جمهور و قضات ایالات به پیشنهاد دادگاه عالی ایالت و منظوری رئیس حکومت ایالتی تعیین می گردند.

(۲) تقرر، تبدل، ترفیع، مؤاخذة و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت دیوان عالی و دادگاه عالی می باشد.

(۳) دیوان عالی و دادگاه های عالی به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تأمین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه را تأسیس می نماید.

ماده یک صد و پنجاه و نهم

(۱) هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، دیوان عالی مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتی که

دیوان عالی اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می‌شود.

(۲) قاضی ایالت نیز از طرف دادگاه عالی ایالت مطابق با شیوه یاد شده محاکمه می‌شود.

ماده یکصد و شصتم

به منظور تطبیق احکام مندرج در مواد هفتادم و هفتاد و یکم این قانون اساسی و برای رسیدگی به شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی از اداره دولتی و کارمندان اداره عامه به شمول وزارت‌ها، ادارات مستقل، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و همچنین شکایات قضات و کارمندان اداره و کلیه دعاوی فی‌مابین دولت و افراد، دادگاه‌های اداری در ساختار قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. تشکیل و وظایف این دادگاه‌ها در قانون تنظیم می‌گردد.

اصول و قواعد عمومی قضا

ماده یکصد و شصت و یکم

صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی‌علیه در پیشگاه دادگاه مطابق به احکام این قانون اساسی اقامه شود.

ماده یک صد و شصت و دوم

(۱) هیچ قانونی نمی تواند در هیچ حالتی، قضیه یا ساحه ای را از دایره صلاحیت قوه قضائیه به نحوی که در این فصل تحدید شده، خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند.

(۲) این حکم مانع تشکیل دیوان عالی قانون اساسی، دادگاه خاص مندرج ماده یک صد و پنجاه و هفتم این قانون اساسی، دادگاه های اداری مندرج ماده یک صد و شصتم این قانون اساسی و دادگاه های عسکری در قضایای مربوط به آن نمی گردد.

تشکیل و صلاحیت این نوع دادگاه ها توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یک صد و شصت و سوم

(۱) در دادگاه های افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد.

(۲) دادگاه می تواند در حالاتی که در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

ماده یک صد و شصت و چهارم

دادگاه مکلف است اسباب و دلایل حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند.

ماده یکصد و شصت و پنجم

تمام فیصله‌های قطعی دادگاه‌ها لازم الاجرا است مگر در حالتی که در قانون، مشروط به منظوری رئیس جمهور شده باشد.

ماده یکصد و شصت و ششم

(۱) دادگاه‌ها در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می‌کنند.

(۲) هرگاه برای قضیه‌ای از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، دادگاه‌ها به پیروی از احکام فقهی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را حل و فصل می‌نمایند.

ماده یکصد و شصت و هفتم

(۱) محاکم برای پیروان مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب طرفین دعوا را مطابق به احکام قانون تطبیق می‌نمایند.

(۲) در صورتی که طرفین دعوا پیرو یک مذهب نباشند، دادگاه‌ها در امور مدنی مطابق به احکام مذهب مدعی فیصله می‌نمایند.

ماده یکصد و شصت و هشتم

(۱) کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در دادگاه، از طرف دادستان مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

(۲) دادستانی دارای ماهیت عدلی و قضایی بوده و در اجراءات خود مستقل می‌باشد.

(۳) دادستان کل فدرال و دادستان‌های کل هر ایالت، واجد شرایط مندرج ماده یکصد و چهل و هشتم این قانون اساسی بوده و با پیشنهاد کمیسیون ملی تعیینات قضایی مندرج ماده یکصد و چهل و چهارم این قانون اساسی توسط رئیس جمهور برای مدت پنج سال تعیین می‌شوند.

(۴) تشکیل، صلاحیت، طرز تعیین دادستان‌ها و فعالیت دادستانی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

(۵) کشف و تحقیق جرایم وظیفوی منسوبین قوای مسلح، پولیس و موظفین امنیت ملی، توسط قانون خاص تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و شصت و نهم

اگر طرف دعوا زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می‌گیرد، نداند، حق اطلاع از مواد و اسناد قضیه و صحبت در دادگاه به زبان مادری، توسط ترجمانی که از سوی دادگاه توظیف می‌شود، برایش تأمین می‌گردد.

فصل ششم - دادگاه عالی قانون اساسی فدرال

ماده یک صد و هفتادم

- (۱) دادگاه عالی قانون اساسی فدرال متشکل از ۹ عضو است که با پیشنهاد کمیسیون ملی تعیینات قضایی مندرج ماده یک صد و چهل و چهارم این قانون اساسی توسط رئیس جمهور برای یک دوره ده ساله تعیین می گردند.
- (۲) اعضا یک تن را از میان خود به حیث رئیس دادگاه عالی قانون اساسی برای مدت دو سال تعیین می کند.
- (۳) اعضای دادگاه عالی قانون اساسی تا تکمیل شدن دور ده ساله از وظایف شان عزل نمی شوند.
- (۴) تشکیل و طرز فعالیت دادگاه عالی قانون اساسی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یک صد و هفتاد و یکم

- عضو دادگاه عالی قانون اساسی، واجد شرایط مندرج ماده یک صد و چهل و هشتم و یک صد و چهل و نهم این قانون اساسی می باشد.

ماده یک صد و هفتاد و دوم

- دادگاه عالی قانون اساسی فدرال دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

- ۱- مراقبت از اجرای این قانون اساسی؛
- ۲- تفسیر این قانون اساسی و قوانین اساسی ایالت‌ها به درخواست حکومت فدرال یا حکومت یکی از ایالت‌ها و یا یک چهارم اعضای هر یک از دو مجلس شورای ملی یا شورای ایالت؛
- ۳- بررسی مطابقت قوانین اساسی ایالت‌ها با قانون اساسی فدرال؛
- ۴- بررسی مطابقت قانون فدرال یا قانون ایالتی با این قانون اساسی به درخواست حکومت فدرال یا حکومت یکی از ایالت‌ها و یا یک چهارم اعضای هر یک از دو مجلس شورای ملی یا شورای ایالت؛
- ۵- بررسی مطابقت قانون ایالتی با قانون اساسی آن ایالت یا با قوانین دیگر فدرال به درخواست حکومت فدرال یا حکومت یکی از ایالت‌ها و یا یک چهارم اعضای هر یک از دو مجلس شورای ملی یا شورای ایالت؛
- ۶- رسیدگی به اختلاف نظر بین دولت فدرال و ایالت‌ها و یا بین ایالت‌ها در مورد صلاحیت‌های ناشی از قانون اساسی؛
- ۷- رسیدگی نهایی به شکایات انتخاباتی در صورتی که به رسیدگی ابتدایی شکایات در کمیسیون مستقل انتخابات قناعت حاصل نشود؛ جزئیات این موضوع در قانون انتخابات تنظیم می‌گردد.
- ۸- سایر صلاحیت‌های مندرج در این قانون اساسی.

ماده یک صد و هفتاد و سوم

(۱) هرگاه یکی از دادگاه‌ها در اثنای رسیدگی به دعوا تشخیص دهد که حکم مندرج قانون مربوط به قضیه مورد نزاع، مغایر قانون اساسی است، دعوا را متوقف و موضوع را به دادگاه عالی قانون اساسی ارجاع می‌دارد.

این حکم در صورتی که یکی از طرفین دعوا چنین مغایرتی را ادعا و دادگاه آن را تأیید کند نیز تطبیق می‌گردد.

(۲) کمیسیون حقوق بشر افغانستان و انجمن مستقل وکلای مدافع، هر کدام به طور جداگانه، در صورتی که حکم مندرج در قانون را با حقوق اساسی شهروندی مندرج این قانون اساسی مغایر تشخیص دهند، می‌توانند موضوع را به دادگاه عالی قانون اساسی ارجاع دهند.

ماده یک صد و هفتاد و چهارم

اسناد تقنینی که از طرف دادگاه عالی قانون اساسی، مطابق به اجزای ۳ و ۴ و ۵ ماده یک صد و هفتاد و دوم و ماده یک صد و هفتاد و سوم این قانون اساسی، مغایر تشخیص گردد، ملغی می‌باشد.

ماده یک صد و هفتاد و پنجم

حکم دادگاه عالی قانون اساسی نهایی و غیر قابل تجدید نظر است.

ماده یک صد و هفتاد و ششم

حکم دادگاه عالی قانون اساسی بعد از نشر در جریده رسمی نافذ می‌باشد.

فصل هفتم - تعديل قانون اساسی

ماده یک صد و هفتاد و هفتم

- (۱) مواد اول، دوم و سوم این قانون اساسی تعديل نمی‌شوند.
- (۲) تعديل حقوق اساسی شهروندان صرف به منظور بهبود حقوق آنان مجاز می‌باشد.
- (۳) تعديل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب و مقتضیات عصر، با پیشنهاد رئیس جمهور، نخست وزیر یا اکثریت اعضای شورای ملی فدرال و یا با در خواست شوراهای ایالتی بیش از نیمی از مجموع ایالات صورت می‌گیرد.

ماده یک صد و هفتاد و هشتم

- (۱) به منظور اجرای پیشنهاد تعديل، هیأتی با فرمان رئیس جمهور، مرکب از سه نفر توسط رئیس جمهور و سه نفر توسط شورای ملی فدرال و سه نفر توسط دادگاه عالی قانون اساسی فدرال انتخاب می‌شوند و طرح تعديل را تهیه می‌کنند.
- (۲) برای تصویب تعديل، مجمع ملی مندرج در ماده یک صد و هجدهم این قانون اساسی بر اساس فرمان رئیس جمهور دایر می‌گردد.

(۳) مجمع ملی با اکثریت حداقل دوثلث کل اعضا، طرح تعدیل را به تصویب می‌رساند.

(۴) هرگاه موضوع تعدیل، منافع یا اختیارات خاص یک یا چند ایالت را متأثر بسازد، برای تصویب تعدیل، علاوه بر تصویب مجمع ملی، موافقه جداگانه حداقل دو سوم شورای ایالت یا شوراهای ایالات مربوطه نیز لازم است.

(۴) رئیس جمهور طرح تعدیل تصویب شده را در خلال یک هفته توشیح می‌کند. در صورت امتناع رئیس جمهور، طرح تعدیل بعد از سپری شدن ۱۵ روز از تاریخ تصویب، لازم الاجرا می‌گردد.

فصل هشتم - دولت ایالتی

ماده یکصد و هفتاد و نهم

- (۱) نظام سیاسی هر ایالت، نظام جمهوری پارلمانی فدرال است.
- (۲) در رأس حکومت ایالتی، صدراعظم ایالتی قرار دارد.
- (۳) نحوه شکل گیری قوای سه گانه ایالتی، امور انتخابات و اعمال صلاحیت ها و اختیارات، به تأسی از احکام عمومی مندرج در این قانون اساسی و مطابق قانون اساسی ایالت تنظیم می گردد.

ماده یکصد و هشتاد و دم

- (۱) قانون اساسی هر ایالت توسط کمیسیون اختصاصی تدوین می شود و تصویب و تعدیل آن با آرای موافق دوسوم شورای ایالتی همان ایالت انجام می شود.
- (۲) قانون اساسی ایالت، مطابق به حکم مندرج در ماده یکصد و هفتاد و دوم این قانون اساسی، بعد از تأیید دادگاه عالی قانون اساسی و با توشیح رئیس جمهور فدرال نافذ می گردد.

ماده یکصد و هشتاد و یکم

هر ایالت در جمهوری فدرال افغانستان مطابق قانون اساسی، دارای حدود معین جغرافیایی بوده و بر تمام قلمرو خویش دارای حاکمیت می‌باشد.

ماده یکصد و هشتاد و دوم

(۱) مردم هر ایالت شعائر و مراسم دینی و مذهبی خود را مطابق با باورها و ارزش‌های دینی، مذهبی و فرهنگی رایج در آن ایالت برگزار می‌کنند.

(۲) دولت ایالتی حق اقلیت‌های دینی و مذهبی را در برگزاری مراسم خاص‌شان تضمین می‌کند.

ماده یکصد و هشتاد و سوم

هر ایالت می‌تواند در کنار زبان‌های رسمی کشور، زبان یا زبان‌های دیگری را نیز به عنوان زبان رسمی خود انتخاب کند.

ماده یکصد و هشتاد و چهارم

هر ایالت در پهلوی بیرق جمهوری فدرال افغانستان بنا بر خصوصیات ایالتی خویش دارای بیرق و نشان ایالتی نیز می‌باشد.

ماده یکصد و هشتاد و پنجم

(۱) هر ایالت در محدوده حاکمیت خویش، دارای واحدهای اداری معین می‌باشد که جزئیات آن در قانون تنظیم می‌گردد.

(۲) هر نوع تغییر و تعدیل در داخل واحدهای اداری ایالت با تصویب شورای ایالتی صورت می گیرد.

ماده یکصد و هشتاد و ششم

(۱) برای تعیین حدود ایالات کمیسیون باصلاحیتی از طرف دولت جمهوری فدرال افغانستان تعیین می گردد.

(۲) حدود معینه ایالات را شورای ملی فدرال تصویب می نماید.

(۳) حدود ایالت بدون تصویب شورای ایالتی و تصویب شورای ملی فدرال تغییر نمی یابد.

فصل نهم - اداره محلی

ماده یک صد و هشتاد و هفتم

(۱) واحد اداره محلی از نگاه تعداد، قلمرو، اجزا و تشکیلات آن، با رعایت تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون ایالتی تنظیم می‌گردد.

(۲) طرز انتخاب شوراهای محلی، شوراهای شهری و شهرداری‌های مربوطه و وظایف و صلاحیت‌های آن‌ها در قانون جداگانه ایالتی تنظیم می‌گردد.

ماده یک صد و هشتاد و هشتم

اهداف اداره محلی عبارت است از:

- ۱- برخوردار شدن جوامع محلی از حکمرانی دموکراتیک و پاسخ‌گو؛
- ۲- تضمین ارائه و تداوم خدمات برای جوامع محلی؛
- ۳- تحکیم توسعه اجتماعی و اقتصادی؛
- ۴- تأمین محیط زندگی امن، سالم و بهداشتی؛
- ۵- تشویق جوامع و سازمان‌های محلی در سهم‌گیری در امور حکومت محلی؛
- ۶- حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست؛
- ۷- تأمین عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب پذیر.

فصل دهم - حالت اضطرار

ماده یک صد و هشتاد و نهم

(۱) هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش وخیم، آفات طبیعی و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور در تمام یا بعضی از ایالات کشور اعلان می شود.

(۲) هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید، برای تمدید آن، موافقت شورای ملی فدرال شرط است.

ماده یک صد و نودم

در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند به مشوره نخست وزیر، رؤسای شورای ملی فدرال، دیوان عالی فدرال و دادگاه عالی قانون اساسی، همه یا بعضی از صلاحیت های شورای ملی فدرال را به حکومت انتقال دهد.

ماده یک صد و نود و یکم

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند بعد از تأیید نخست وزیر و رؤسای شورای ملی فدرال، دیوان عالی فدرال و دادگاه عالی قانون اساسی، تنفیذ برخی از احکام قانون اساسی را به تعلیق آورد.

ماده یک صد و نود و دوم

در حالت اضطرار، قانون اساسی تعدیل نمی‌شود.

ماده یک صد و نود و سوم

(۱) هرگاه دوره کاری حکومت و یا دوره تقنینیه شورای ملی در حالت اضطرار ختم شود، برگزاری انتخابات جدید به تأخیر افتاده و مدت خدمت حکومت و اعضای شورای ملی تا چهار ماه تمدید می‌شود.

(۲) هرگاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید، مجمع ملی مندرج در ماده یک صد و هجدهم این قانون اساسی و اعضای دیوان عالی فدرال و دادگاه عالی قانون اساسی از طرف رئیس جمهور به منظور اتخاذ تصمیم در این مورد دعوت می‌شوند.

(۳) بعد از ختم حالت اضطرار، در خلال مدت دو ماه، انتخابات برگزار می‌گردد.

ماده یک صد و نود و چهارم

در ختم حالت اضطرار، اقداماتی که بر اساس مواد یک صد و نودم و یک صد و نود و یکم این قانون اساسی به عمل آمده، بلافاصله از اعتبار ساقط می‌گردند.

فصل یازدهم - احکام متفرقه

ماده یک صد و پنجم

رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، نخست وزیر، معاونین نخست وزیر، وزیران، اعضای شورای ملی فدرال و شوراهای ایالتی، صدراعظم و وزرای ایالتی، رئیس و اعضای دیوان عالی فدرال، دادستان کل، اعضای دادگاه‌های عالی ایالات، دادستان کل هر ایالت، اعضای دادگاه عالی قانون اساسی، رؤسای بانک مرکزی و امنیت ملی و شهردارها در مدت تصدی وظیفه، نمی‌توانند هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام دهند و هرگاه معامله انتفاعی قبل از تصدی وظیفه منعقد شده باشد، در صورتی که بیش از یک سال دیگر بعد از تصدی وظیفه ادامه می‌یابد، بعد از ختم یکسال دیگر، تسویه حساب شده و فسخ می‌گردد.

ماده یک صد و ششم

نخست وزیر، معاونین نخست وزیر، وزیران، صدراعظم و وزیران ایالتی، رؤسا و اعضای شورای ملی فدرال، شوراهای ایالتی و دادگاه‌های عالی، دادستان‌های کل و قضات نمی‌توانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری - به استثنای عضویت در کدر علمی تحصیلات عالی - اشتغال ورزند.

ماده یک صد و نود و هفتم

قضات، دادستان‌ها، صاحب‌منصبان قوای مسلح و پولیس و منسوبین امنیت ملی، رئیس و اعضای کمیسیون مستقل ملی انتخابات، در مدت تصدی وظیفه نمی‌توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

ماده یک صد و نود و هشتم

دارایی رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، نخست وزیر، معاونین نخست وزیر، وزیران، صدراعظم و وزیران ایالت‌ها، اعضای شورای ملی فدرال، شوراهای ایالات، دیوان عالی فدرال و دادگاه‌های عالی ایالات و دادستان‌های کل، قبل و بعد از دوره خدمت، توسط ارگانی که در قانون تعیین می‌گردد، ثبت، رسیدگی و نشر می‌شود.

ماده یک صد و نود و نهم

برای رؤسا و اعضای شورای ملی فدرال، دیوان عالی، دادگاه‌های عالی، قضات، دادستان‌های کل، دادگاه عالی قانون اساسی و رؤسای کمیسیون‌ها و ادارات مستقل، مطابق با احکام قانون معاش مناسب تعیین می‌گردد.

فصل دوازدهم

احکام انتقالی

ماده دوصدم

به منظور حل صلح آمیز بحران دامنه دار افغانستان، پس از گفتگوی مؤثر و معنادار بین نمایندگان اقوام و احزاب سیاسی کشور و با امضای توافقنامه بین آنان زیر نظر سازمان ملل متحد، دولت انتقالی برای مدت دو سال تشکیل می شود.

ماده دوصدویکم

دولت انتقالی وظایف ذیل را به عهده دارد:

- تشکیل کمیسیون ملی تسوید قانون اساسی جمهوری فدرال افغانستان و تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب آن؛
- ایجاد کمیسیون ملی برای فراهم کردن زمینه تطبیق نظام فدرال در افغانستان؛
- تشکیل کمیسیون مستقل ملی انتخابات؛
- تدوین و تصویب قانون انتخابات؛
- برگزاری انتخابات پارلمانی برای ایجاد شورای ملی فدرال و شوراهای ایالتی؛

- ۶- تعیین کمیسیون خاص برای بازسازی و تنظیم نهادها و امور نظامی و امنیتی؛
- ۷- اتخاذ تدابیر لازم جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی.

ماده دوصدودوم

- (۱) مجلس مؤسسان مندرج ماده دوصدویکم این قانون اساسی، مرکب از نمایندگان است که به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می گردند.
- (۲) مجلس مؤسسان مطابق با طرزالعمل خاص و با فرمان رئیس دولت انتقالی تشکیل می گردد.
- (۳) در تصویب قانون اساسی، موافقه دو سوم آرای اعضای مجلس مؤسسان لازم است.
- (۴) با تصویب قانون اساسی فدرال وظیفه مجلس مؤسسان خاتمه می یابد.

ماده دوصدوسوم

قبل از برگزاری اولین انتخابات، سرشماری عمومی جمعیت افغانستان توسط دولت انتقالی صورت می گیرد و پس از آن هر ده سال یکبار انجام می شود و تعداد دقیق جمعیت هر ایالت و هر ولایت به طور مجزا معین می گردد.

ماده دوصدوچهارم

اولین شورای ملی فدرال، سی روز بعد از اعلام نتایج انتخابات، مطابق با احکام این قانون اساسی به کار آغاز می کند.

ماده دوصدوپنجم

صلاحیت‌های قانونگذاری شورای ملی مندرج در این قانون اساسی تا زمان تأسیس این شورا به حکومت تفویض می‌شود و دیوان عالی موقت به فرمان رئیس دولت انتقالی تشکیل می‌گردد.

ماده دوصدوششم

(۱) شورای ملی فدرال، وظایف و صلاحیت‌های خود را به‌مجرد تأسیس، مطابق با احکام این قانون اساسی، اعمال می‌کند.

(۲) بعد از تأسیس و آغاز به کار شورای ملی؛ حکومت، دیوان عالی و سایر نهادهای مندرج در این قانون اساسی مطابق با احکام قانون اساسی تشکیل می‌گردند.

(۳) رئیس دولت انتقالی و ارگان‌های اجرایی و قضایی تا زمانی که رئیس جمهور و حکومت جدید و دیوان عالی جدید به کار آغاز کنند، اجرای وظیفه می‌نمایند.

(۴) فرمان‌های تقنینی که از آغاز دوره انتقالی به بعد نافذ گردیده است، به اولین جلسه شورای ملی فدرال ارجاع می‌گردند.

این فرمان‌ها تا زمانی که از طرف شورای ملی فدرال لغو نگردیده باشند، نافذ می‌باشند.

ماده دوصدوهفتم

این قانون اساسی از تاریخ تصویب مجلس مؤسسان نافذ و از طرف رئیس دولت انتقالی افغانستان توشیح و اعلام می گردد.

با انفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرمان های تقنینی مغایر احکام آن، ملغی می باشند.

پایان

۸ حمل ۱۴۰۴ برابر با ۲۸ مارچ ۲۰۲۵

مقدمه قانون اساسی جمهوری فدرال افغانستان

ما مردم افغانستان؛

- با درک بی عدالتی‌ها و نابسامانی‌های گذشته و مصایب بی‌شماری که بر کشور ما وارد آمده است؛
 - با تقدیر از فداکاری‌ها، مبارزات تاریخی و ارج‌گذاری به مقام والای شهدای راه عدالت و آزادی؛
 - با درک این که افغانستان از نگاه قومی، زبانی و مذهبی، جامعه متکثر و متنوع است؛
 - به منظور پایان دادن به خشونت‌ها و منازعات، جلوگیری از گسست‌های متداوم و تأمین صلح، عدالت و ثبات دایمی در کشور؛
 - به منظور تقویت همبستگی میهنی و تحقق مناسبات عادلانه در میان تمام اقوام و مناطق کشور؛
 - به منظور توزیع عادلانه ثروت و قدرت در سطوح افقی و عمودی؛
 - به منظور رعایت اصل تفکیک قوا و تأسیس نظام فدرالی مردم‌سالار، کثرت‌گرا و مبتنی بر اراده مردم؛
 - به منظور ایجاد جامعه‌ای عاری از استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم؛
 - و بالاخره به منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین المللی؛
- این قانون اساسی را بر اساس مقتضیات زمان و مطابق با واقعیت‌های متکثر و متنوع قومی، فرهنگی و اجتماعی کشور، از طریق نمایندگان منتخب خود در مجلس مؤسسان قانون اساسی مؤرخ / / منعقد در شهر کابل تصویب کردیم.

